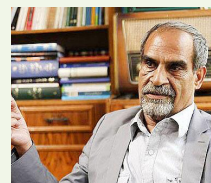




استقلالی در صنف و کالت

باقی نمانده است

نعمت احمدی، حقوقدان



جمهوریت منشأ مردمی دارد و

حکومت دینی منشأ آسمانی

محمدصادق جوادی حصار، فعال اصلاح طلب



هفته نامه غیربرخط اراده ملت / شماره ۴۱ / دوشنبه ۶ تیر ۱۴۰۱

اندر مزایای ابهام!

افشین فرهانچی

شپ‌های بی پایان اقتصادی

رضاعلی آبادی

سرنوشت محتوم اصلاح طلبان

علی صابری

استمرار با تحزب محوری

زهره رحیمی

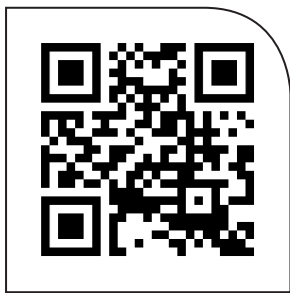
پیش به سوی اتحادیه‌های کارگری مستقل

امیر حسین سمائی

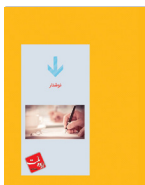
مسلح به فلسفه؛ به سوی زندگی مسالمت آمیز

کاظم طیبی فرد

دیوار شکسته قانون
از پلاسکو تا متروپل



۷



نوشتار

پاییز ۱۳۷۵ که زنگ شروع انتخابات هفتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری زده شد و کاندیداهای احتمالی این انتخابات گمانه زنی می شد تقریباً هیچ کس گمان نمی برد که کسی جز ناطق نوری پرنده این انتخابات باشد، خصوصاً با اعلام انصراف میرحسین موسوی، تقریباً انتخاب این گزینه قطعی و یقینی به نظر می رسید، نیروهای چپ خط امامی که پس از در گذشت رهبر فقید

۱۱



گزارش

نشست علمی دیوار شکسته قانون از پلاسکو تا مترو پل سه شنبه ۱۷ خرداد ۱۴۰۱، با حضور دکتر مهدی هداوند رئیس کمیته حقوقی هیات علمی حادثه پلاسکو و دکتر محمد فاضلی، جامعه شناس و مهندس علی زمانی، پژوهشگر حوزه سوانح و بازسازی از سوی انجمن حقوق شناسی با همکاری

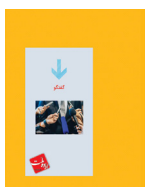
۱۶



اندیشه

چنانکه در قسمت قبلی همین نوشتار عرضه شد، آموزه های اپیکوری، تلقی و خوانش آذونی از تاریخ فلسفه مشتی ست نمونه خروار. حتی اگر غایت و هدف فعالیت فلسفه و ذات هویتی آن نبوده باشند، سراغ جستن از چنین تلاش هایی در طول تاریخ فلسفه کار چندان دشواری نیست، برخی نحله ها و فلاسفه

۲۵



گفتگو

اراده ملت، فائزه صدر؛ گروه های صنفی به عنوان اجتماعی با اهداف مشترک، نقش مهمی در شکل دهی به حیات جامعه دارند. با توجه به تأثیر پررنگ این مجموعه ها، تقویت یا کاهش نقش و اختیار ایشان، همواره مدنظر قدرت سیاسی بود. کانون و کلاسیکی از قدیمی ترین مجموعه های صنفی ایران است که به عنوان نهادی مدنی و واسطه ای میان مردم و حاکمیت تعریف می شود. این مجموعه

۳۰



رویدادهای ایران

بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار متصدیان کنگره ملی شهدای عشایر که ۲۲ خرداد ۱۴۰۱ برگزار شده بود در روز ۳۱ خرداد منتشر شد. در بخشی از این صحبت های آمده است: رهبر انقلاب تضعیف ایمان دینی، تضعیف امید و خوش بینی به آینده کشور را از جمله مولفه های جنگ نرم علیه ملت دانست و خاطر نشان کردند: لقای آیندگی،

۳۳



معرفی و پیشنهاد

فیلم وحشی داستان یک پیاده روی طولانی را روایت می کند سفری بیش از هزار مایل از کویر کالیفرنیا جنوبی تا جنگل های انبوه اورگان. داستان این فیلم بر اساس کتاب معروف شرل استراید با همین عنوان است و در واقع بخشی از زندگی نامه خود استراید می باشد. فیلم در مورد سفری تنهادر طبیعت است آنچه

۳۹



اخبار حزبی

از ابتدای تیر ماه دفتر رسانه های حزب با هدف پوشش دادن و تسهیل فعالیت های مجموعه رسانه های حزب در تهران افتتاح شد. با توجه به پایان یافتن پاندمی کووید ۱۹ و طبیعی شدن فعالیت های فیزیکی، مجموعه مدیریتی حزب این فضا را برای فعالیت های رسانه ای مهیا کرده است تا اعضا و علاقه مندان بتوانند در آن به فعالیت بپردازند.



هفته نامه غیر برخط اراده ملت

۶ تیر ۱۴۰۱ / شماره ۱۵۴



صاحب امتیاز:

حزب اراده ملت ایران

مدیر مسئول:

(در حال تغییر)

زیر نظر شورای سردبیری

هیات تحریریه:

زهرا کرد / زهره رحیمی / فاطمه قدم / افشین فرهنگچی
امیر حسین سمائی / پیام فیض / حسن اسدی / حمید
سپهری / رحیم حمزه / شمس افزازی / زاده / کاظم طیبی
فرد / کوروش الماسی / علی صابری

همکاران این شماره:

راضیه گمار / فائزه صدری / حسن غلامی
علیرضا مالگیر

نشانی:

نشانی: خیابان اسکندری جنوبی، نرسیده به خیابان

آزادی، بن بست خلیلی پلاک ۱ واحد ۱

تلفن:

۰۲۱۶۶۵۶۲۳۰۶

تلفکس:

۰۲۱۶۶۵۶۷۸۴۵



این هفته نامه

ارگان رسمی حزب اراده ملت است



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۱

۶ تیر ۱۴۰۱

به جای مقدمه

تابستانی گرم و پر غبار و کم آبی و...

شماره (۴۱) هفته نامه اراده ملت را در ابتدای فصل تابستان تقدیم شما می‌نماییم. امیدواریم که در این شرایط کم آبی، با مدیریت بهینه منابع آب بتوانیم با کمترین تنش آبی از این تابستان گرم و پر غبار گذر کنیم.

در این شماره در سخن سردبیری به موضوع **ناکارآمدی و مدیریت غیر علمی** می‌پردازیم و در سرمقاله نگاهی داریم به **لزوم حزبی شدن مجلس در ایران**.

در بخش نوشتار دو یادداشت را به شما تقدیم می‌کنیم. یکی با عنوان **سرنوشت محتوم اصلاح طلبان** است که در دفتر سیاسی حزب ارائه گردیده است و دیگری در مورد **اتحادیه‌های کارگری مستقل**.

در قسمت گزارش، ابتدا گزارشی ارائه می‌دهیم از میزگردی با عنوان **دیوار شکسته قانون** که به بحث حوادثی نظیر آتش سوزی ساختمان پلاسکو و فرو ریختن ساختمان متروپل می‌پردازد؛ و سپس **آخرین وضعیت بازارهای مالی** را خدمت شما گزارش می‌نماییم. در قسمت اندیشه ابتدا نگاهی داریم به موضوع **اختلاف نظر** و در بخش دوم به باز نشر مقاله ای می‌پردازیم از محمد جواد روح در مورد **اصلاحات گام به گام** که هفته پیش منتشر شد و **دو نقد اساسی** که از جانب اعضا حزب اراده ملت در مورد آن صورت گرفته است.

در بخش گفتگو ابتدا با **نعمت احمدی از**

کانون صنفی و کلا مصاحبه ای خواندنی داریم و سپس پای صحبت یکی از اصلاح طلبان مطرح خراسان رضوی آقای **محمد صادق جواد** **حصار** می‌نشینیم تا با دیدگاه‌های ایشان در باب تحزب و دموکراسی بیشتر آشنا شویم.

در بخش **ایران در هفته ای که گذشت؟** مروری داریم بر شش رویداد برجسته دو هفته اخیر.

در بخش معرفی و پیشنهاد، ابتدا فیلم **وحشی** را معرفی می‌کنیم و سپس نگاهی می‌اندازیم به کتاب مشهور **کودتا** اثر پروانه ابراهامیان. در همین بخش ابتدا نگاهی داریم به مشهورترین **تور دوچرخه سواری جهان** و سپس یاد زنده یاد **احمد مهدوی دامغانی** را گرامی می‌داریم.

عکس هفته اختصاص دارد به شغل دور از نظر زندانبانی و در این بخش مشکلات و مصائب این شغل را از نظر می‌گذرانیم.

در بخش خبرهای حزبی با چند خبر از **انتشارات، دفتر سیاسی و نشریه خاطرات سیاسی** در خدمت شما خواهیم بود.

و در انتها در صفحه آخر به **آنچه می‌خواهیم و آنچه نمی‌خواهیم؟** در قالب ستون سیاست خودمانی می‌پردازیم.

مثل همیشه امیدواریم که نگاهی به **تبلیغات نشریه** خصوصا محصولات فرهنگی داشته باشید.

بحران ناکارآمدی و مدیریت غیر علمی

تحقق اهداف از پیش تعیین شده، می باشد. نکته قابل توجه اینکه فعل مدیریت تابع زمان است. به عنوان مثال، در قرون پیشین حیوانات وسایل حمل و نقل بودند؛ بنابراین فردی که مسئول مدیریت سفر (یک کاروان) بود، می بایست اطلاعات کافی از نیازهای و توانایی های حیوانات برای طی مسیر داشته باشد؛ اما در عصر معاصر انواع خودروها، هواپیما، قطار، کشتی و ... وسایل حمل و نقل می باشد و اینکه برای مدیریت هر یک از وسایل حمل و نقل، تخصص و توانایی های خاصی لازم است. اگر تبیین مختصر مدیریت، کاربردی و منطقی تلقی شود، آنگاه، می توان مدیریت را به سنتی و معاصر تقسیم کرد. برجسته ترین ویژگی مدیریت سنتی این است که مدیریت سنتی تبلور و انعکاس خرد، اراده و اهداف فردی و گروهی است؛ و برجسته ترین ویژگی مدیریت علم بنیاد معاصر این است که مدیریت علمی در جهان معاصر، تبلور و انعکاس خرد، اراده و اهداف جمعی (اجتماعی و ملی) می باشد.

اگر نکات ارائه شده در این موجز کاربردی و منطقی تلقی شود، آنگاه می توان ادعا کرد که ریشه های ترین عامل انواع و انبوه چالش های اجتماعی و ملی که زیستی غیر انسانی را برای شهروندان ایجاد کرده است، "مدیریت کلان سیاسی غیر علمی یا به بیان دیگر مدیریت سنتی است". یقیناً، این پرسش مطرح می شود که چگونه می توان مدیریت علمی را جایگزین مدیریت سنتی کرد؟

به باور نگارنده پاسخ این پرسش در اعماق تاریخ، فرهنگ و روح و روان شهروندان و به ویژه روشنفکران (روشن ذهن ها) جامعه نهفته است. اگر بپذیریم که علم یک پدیده یا فعالیت جمعی است، آنگاه مدیریت سیاسی علمی جایی برای ویژگی ها یا صفاتی چون: فردگرایی، خودمحور بینی، خودشیفتگی، خود را عالم دانا یا منشأ همه دانش ها تلقی کردن و ... نیست. از این رو، "روشن ذهن های" جامعه باید درک کنند و بپذیرند که مدیریت سیاسی در جهان معاصر؛ تبلور خرد، اراده و اهداف جمعی (اجتماعی و ملی) است.

ترویج و آموزش این واقعیت کاربردی که "مدیریت سیاسی یک جامعه فرصت یا امکانی برای تحقق اهداف، تمایلات و خواسته های فردی و جناحی نیست"، باید وظیفه همه وطن پرستان صادق و دلسوز سلامت، پایداری و توسعه ایران باشد. به عبارتی، زیست اجتماعی و توسعه جامعه، برآیند مستقیم، توسعه و کاربردی بودن اذهان روشنفکران (روشن ذهن ها) جامعه می باشد.

روزانه تعداد بی شماری تحلیل و نقد پیرامون ناکارآمدی در سطوح مدیریت کلان سیاسی ارائه می شود؛ که این ناکارآمدی، منشأ انبوه چالش های اجتماعی و بستر ساز زیستی طاقت فرسا برای شهروندان است. این تحلیل های متعدد در انواع رسانه های نوشتاری، مجازی، صوتی، تصویری و ... تولید و به شهروندانی که "تشنه و جویای آرامش، ثبات و امید" هستند، عرضه می شود؛ اما بنا بر شواهد عینی، مدیریت کلان سیاسی به دلایل نامشخص، هیچ تأثیری از انبوه تحلیل های که تبلور نگرانی های اجتماعی است، نمی پذیرد. اگرچه این موجز نیز همانند خیل تحلیل ها، تأثیری بر مدیریت کلان کشور نخواهد داشت، با این وجود، برحسب رسالت روشنگری به یکی از عوامل این ناکارآمدی، به طور کلی و مختصر می پردازد.

یکی از اصلی ترین عوامل ناکارآمدی مدیریت کلان سیاسی، رویکرد غیر علمی است. تبیین کلی و مختصر چند مفهوم به درک بهتر مفهوم مدیریت غیر علمی کمک خواهد کرد.

اگر رفتار انسانی را ناشی از عادات، آموزه ها، اهداف، احساسات و فرایندهای ذهنی در محیط تلقی کنیم، آنگاه می توان رفتار انسان ها را به دو نوع رفتارهای واکنشی و کنشی تقسیم کرد. برای مثال، "دویدن" می تواند رفتار واکنشی ما نسبت به یک عامل خطرناک و در نتیجه ی هراس ما باشد. یا مبتنی بر این "آموزه" که دویدن، ورزشی مفید برای سلامتی است.

علم؟ به کاربردی ترین بیان، معطوف به درک و تشخیص عناصر و رفتار فردی و جمعی عناصر موجود در یک پدیده، امر یا ساختار از هر نوعی می باشد. اینکه، علم ذاتاً یک فعالیت و پدیده جمعی و نه فردی است.

سیاست؟ به معنی کاربردی و عام، یعنی "تدبیر راهکار" به منظور تحقق اهداف، نیازها، خواسته، آرزوها و تمایلات فردی، گروهی و ملی می باشد.

مدیریت؟ مدیریت معطوف به تهیه، تأمین و هماهنگ کردن برخی منابع، امکانات، دارایی ها، ابزار آلات، نیروی انسانی و ... در یک ساختار رفتاری یا اجرایی به منظور تحقق اهداف و نیازهای انسانی در عرصه های گوناگون اقتصادی، آموزش، علمی، صنعتی، بهداشت و درمان، فرهنگی و ... می باشد؛ بنابراین، وظیفه و تخصص یک مدیر ساماندهی، برنامه ریزی، نظارت، هدایت و کنترل مؤلفه های گوناگون به منظور



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۱
۶ تیر ۱۴۰۱

مدیریت سیاسی کشور و جای خالی احزاب

و تشکیلاتی یک ارزش و فاکتور مثبت برای پیروزی در انتخاباتی همچون مجلس محسوب می‌شود. ظاهراً عدم پاسخگویی نمایندگان مجلس در قبال عملکرد خود به احزاب سیاسی و افکار عمومی آن چنان شیرین و خوش است که حتی طرح شفافیت آرای نمایندگان هنوز بالاتکلیف مانده است.

نظارت استصوابی، عدم استقلال، عدم تخصص و ضعف نظارتی را مهم‌ترین دلایل ضعیف‌تر و ناکارآمد شدن مجلس در ایران می‌دانند؛ اما دلیل اصلی که باعث چنین سرنوشتی برای مجلس ایران شده، فرایند برگزاری انتخابات مجلس در ایران است. ۲۹۰ نماینده مجلس در ایران در نبود سازوکار حزب و تشکیلات باید در یک انتخابات محلی و کوچک دنبال جمع کردن رأی باشند. این به آن معناست که نمایندگانی که باید برای اهداف کلان حاکمیت برنامه و طرح داشته باشند با وعده‌هایی همچون ساخت دوربرگردان در ورودی شهر، درمانگاه، ایستگاه راه‌آهن و چنین پروژه‌های بومی و پیش‌پاافتاده با میانگین محدود رأی وارد مجلس می‌شوند. در نتیجه، افرادی که ابتدایی‌ترین مهارت‌های سیاسی و نمایندگی مردم را نمی‌دانند باید برای امور مهمی همچون امنیت، برجام، اقتصاد، سلامت و حکمرانی کشور تصمیم بگیرند.

استراتژی حکمرانی در ایران روز به روز غیر شفاف‌تر و غیر حزبی‌تر می‌شود حتی احمد وحیدی وزیر کشور ابراهیم رئیسی بیان می‌کند: مردم‌سالاری ما در جمهوری اسلامی هیچ ربطی به دموکراسی غربی ندارد، اما حاکمیت باید بداند این رویکرد باعث فشار بیشتر افکار عمومی به جمهوری اسلامی در آینده خواهد شد. شاید بهتر باشد برای شروع یک اصلاحات جامع و ساختاری در کشور، در ابتدای امر با تغییر قوانین، در آینده انتخابات مجلس به صورت حزبی برگزار شود، شاید این تغییر کوچک باعث شود افراد توانمندتری وارد مجلس بشوند تا بتوانند به جای دعوت دختران با ازدواج با مسلمانان علاقه‌مند به ایران به امور کلان و ملی در مجلس بپردازند.

به هر حال هرچند نمی‌توان آرزوی داشتن حزب و تشکیلات را همچون کشورهای دموکراتیک در آینده نزدیک ایران به واقعیت تبدیل کرد، اما نباید فراموش کرد که برای داشتن ایران آزاد نیاز به سال‌ها کار فکری و تشکیلاتی برای آموزش مردم درباره کارکرد حزب و قدرتمند کردن احزاب وجود دارد. این اتفاق یک پروژه زودگذر نخواهد بود بلکه یک فرایند طولانی و مداوم است تا به ثمر برسد.

حدوداً یک ماه پیش بوریس جانسون نخست‌وزیر بریتانیا با ۲۱۱ رأی در مقابل ۱۴۸ رأی توانست برای یک سال دیگر در سمت نخست‌وزیری و رهبری حزب محافظه‌کار ابقا شود؛ اما نکته مهم این رأی اعتماد ۵۹ درصدی این است که تنها هم‌حزبی‌های بوریس جانسون در این رویداد شرکت کردند. درواقع، اعضای حزب محافظه‌کار که اکثریت را در پارلمان در اختیار دارند به خاطر رسوایی‌های متعدد بوریس جانسون برای برگزاری مهمانی‌هایی متعدد در دوران کرونا در محل دفتر نخست‌وزیر که به پارتی گیت معروف شده است او را فراخواندند، به شدت در مقابل رسانه‌ها بازخواست کردند و برای ماندن دوباره بوریس جانسون در رأس قدرت حزب محافظه‌کار و سمت نخست‌وزیری، در داخل خود حزب دوباره رأی‌گیری کردند.

این موضوع به خوبی از نقش و کارکرد حزب در یک کشور آزاد و دموکراتیک را نشان می‌دهد. جایی که نخست‌وزیر قبل از پاسخگویی در برابر افکار عمومی و مخالفان سیاسی، مجبور است در داخل خود حزب پاسخگوی رفتار و اقدامات خود در زمان تصدی نخست‌وزیری باشد. این فرایند دموکراتیک برای ما آن چنان زیبا و ایده‌آل گراست که دهه‌ها بعد از مشروطه هنوز نتوانسته‌ایم رؤیای حزب و پاسخگویی مسئولان سیاسی کشور را به یک امر بدیهی و ابتدایی همچون دیگر کشورهای دموکراتیک و آزاد تبدیل کنیم. در نتیجه، در زیر سایه نظارت استصوابی شورای نگهبان شاهد تشکیل مجلس ضعیف‌تر و غیر پاسخگو در برابر مردم هستیم.

این روزها در کنار یکدست شدن همه نهادهای قدرت در ایران، مجلس یازدهم که با پایین‌ترین میزان مشارکت مردم تشکیل شده است در اوج نابسامانی‌های اقتصادی و اجتماعی تنها درگیر روزمرگی عادی و تبلیغاتی خود شده است و با تصویب مصوباتی همچون ممنوعیت رسیدگی دیوان عدالت اداری به شکایت‌ها علیه شورای عالی فضای مجازی و شورای عالی انقلاب فرهنگی، روز به روز یک رویکرد غیر شفاف‌تر و غیر دموکراتیک‌تر را پیش می‌برد.

اگر صندوق انتخابات روح دموکراسی است قطعاً مجلس هم شاهرگ همه کشورهای دموکراتیک و آزاد است و انتخابات مجلس به خاطر گستردگی جغرافیایی عملاً همه اقشار و گروه‌های سیاسی و قومی را پوشش می‌دهد. مجلس می‌تواند متشکل از همه احزاب سیاسی باشد و حتی جریان ساز و حزب ساز هم باشد؛ اما در ایران برچسب غیر حزبی



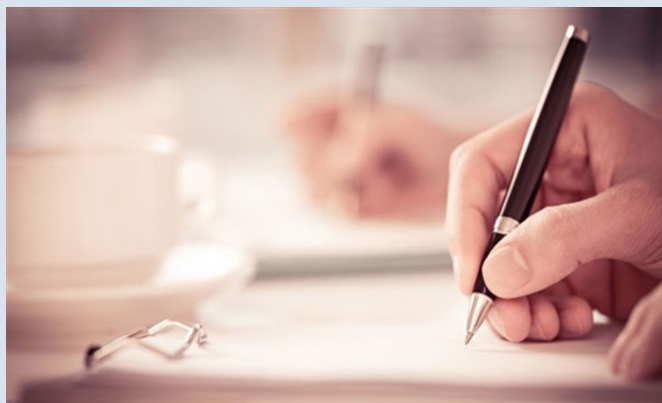
هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۱

۶ تیر ۱۴۰۱



نوشتار



سر نوشت محتوم اصلاح طلبان

علی صابری

خاتمی بافاصله گرفتن از شعارهای سنتی چپ‌های خط امامی (دفاع از محرومین و مستضعفین) شعارهای جدیدی را وارد ادبیات سیاسی پس از انقلاب می‌کند، طرح شعارهایی نظیر جامعه مدنی و آزادی‌های مدنی برخلاف انتظار برخی رهبران چپ سنتی با اقبال عمومی مواجه می‌شود و به تدریج در نظرسنجی‌های آن روزها میزان آراء سید محمد خاتمی افزایش می‌یابد و بالاخره انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ با افزایش مشارکت نزدیک به سی درصدی نسبت به سه انتخابات ریاست جمهوری قبل، بالاترین میزان مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری تا آن زمان (۷۹.۹۲ درصد) را ثبت می‌کند. (فقط انتخابات سال ۱۳۸۸ با ۸۴.۸۳ درصد مشارکت بیشتری داشت)

طرح شعارهای جامعه مدنی و آزادی‌های سیاسی از سوی سید محمد خاتمی سبب شده بود که علاوه بر آن سه گروه (چپ‌های سنتی، مدرن و راست‌های مدرن) برخی فعالین جنبش‌های اجتماعی (نظیر زنان، کارگران، معلمان، هنرمندان، دانشجویان و ...) و گروهی از نیروهای تحول‌خواه این انتخابات را شورای برای تغییر مسالمت‌آمیز و گذار دموکراتیک در ایران ببینند و با کمپین انتخاباتی او همراه شده و این امر سبب پیروزی خاتمی در آن انتخابات گردید. (هرچند که مهم‌ترین گروه مخالف درون ایران، نهضت آزادی ایران و شورای هماهنگی نیروهای ملی و مذهبی حاضر نشدند در این انتخابات به خاتمی رأی بدهند اما به تدریج و خصوصاً در انتخابات ریاست جمهوری هشتم از او حمایت کردند)

پاییز ۱۳۷۵ که زنگ شروع انتخابات هفتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری زده شد و کاندیداهای احتمالی این انتخابات گمانه‌زنی می‌شد تقریباً هیچ کس گمان نمی‌برد که کسی جز ناطق نوری برنده این انتخابات باشد، خصوصاً با اعلام انصراف میرحسین موسوی، تقریباً انتخاب این گزینه قطعی و یقینی به نظر می‌رسید، نیروهای چپ خط امامی که پس از درگذشت رهبر فقید انقلاب عملاً فرصت چندانی برای حضور در قدرت نداشتند، بیش از هر چیز برای کسب حداقلی از آراء در تدارک این انتخابات بودند، در انتخابات مجلس پنجم راست‌های مدرن بریده از راست‌های سنتی یا نادیده گرفته شده توسط آن‌ها، سراغ نیروهای چپ آمده بودند و اگرچه چپ‌های سنتی تمایلی به ائتلاف با آن‌ها نشان ندادند اما ائتلاف راست‌های مدرن و چپ‌های مدرن سبب شد که بتوانند اقلیتی قدرتمند در آن مجلس تشکیل دهند آن‌چنان که ریاست علی‌اکبر ناطق نوری بر آن مجلس را به چالش جدی بکشند و با فقط اختلاف ۱۵ رأی کرسی ریاست مجلس پنجم به‌جای عبدالله نوری نصیب علی‌اکبر ناطق نوری شود. این تجربه سبب شده بود که چپ‌های سنتی نیز به تشکیل ائتلاف با راست‌های مدرن تشویق شوند و در نهایت سید محمد خاتمی، وزیر ارشاد نخست دولت سازندگی (راست‌های مدرن) و عضو شورای مرکزی مجمع روحانیون مبارز (چپ‌های سنتی) و رئیس کتابخانه ملی ایران (محبوب چپ‌های مدرن) به‌عنوان کاندیدای مشترک انتخاب و معرفی شود.

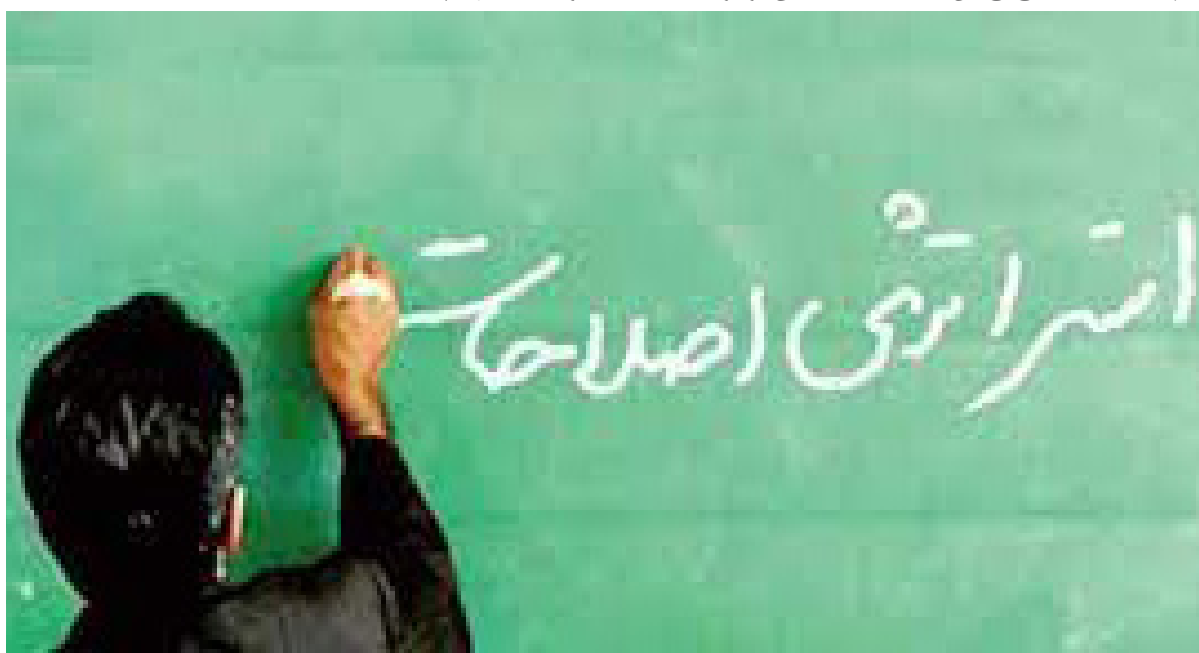
بهار ۱۳۷۶، به تدریج یخ این انتخابات شکسته می‌شود و سید محمد



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۱

۶ تیر ۱۴۰۱





هفته‌نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۱۵
۶ تیر ۱۴۰۱

دولت دوم خرداد اما به تدریج در پیش برد برنامه‌های اصلی خود دچار چالش‌های جدی و اساسی شد، چالش‌هایی که به تدریج سبب شد که شعارهای اصلی این دولت به فراموشی سپرده شود، دولت خاتمی اگرچه در ابتدای راه با شعار زنده‌باد مخالف من آغاز شده بود اما در اجرا مجبور شد به تدریج از این سیاست و نیز سیاست تبدیل معاند به مخالف، مخالف به منتقد، منتقد به همراه فاصله بگیرد و حزب بر خواسته از این دولت، جبهه مشارکت ایران اسلامی نیز به تدریج از فعالیت جبهه‌ای و بین‌العباسین (عباس عبدی و عباس دوزدوزانی) فاصله گرفت و عملاً شعار ایران برای همه ایرانیان فراموش شد.

این فاصله گرفتن و دور شدن از شعارها به گونه‌ای بود که به تدریج میزان مشارکت و تمایل مردم به اصلاح‌طلبان کاهش پیدا کرد به گونه‌ای که در دومین دوره انتخابات شوراهای شهر و روستا با وجود تأیید صلاحیت بسیاری از کاندیداها و تقریباً آزاد بودن این انتخابات اما اختلافات درونی این نیروها و تنش‌های درونی در این انتخابات سبب شد که یکی از کم‌مشارکت‌ترین انتخابات کشور در این دوره برگزار شود و یا تحصن نمایندگان مجلس ششم در اعتراض به رد صلاحیت‌های گسترده بازتاب آن‌چنانی در جامعه نیافت و درنهایت در انتخابات ریاست‌جمهوری نهم سرنوشت محتوم اصلاح‌طلبان محقق شد وجود کاندیدهای متعدد و عدم تعیین یک راهبرد مشخص و صرفاً فعالیت بر اساس منافع محلی خود سبب شد که اصلاح‌طلبان در این انتخابات شکست بخورند.

اصلاح‌طلبان در انتخابات سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۶ با استفاده از مانده آبروی خود توانستند پیروز انتخابات شوند تا این بار فاصله گرفتن از شعارها و برنامه‌های آن‌ها بیشتر و بیشتر شود، عدم اجرای و پایبندی به شعارها و برنامه‌های اعلام‌شده از سوی این جریان سبب شد که به تدریج فاصله میان خرده جنبش‌های اجتماعی و نیروهای تحول‌خواه از آن‌ها شدت بیشتری بگیرد. در حقیقت مایوس شدن جامعه از انجام اصلاحات اجتماعی و مدنی بیان‌شده از سوی این جریان و فاصله گرفتن رهبران اصلاحات از این شعارها فاصله‌ای بلند میان آن‌ها و مردم ایجاد نموده است.

اصلاح‌طلبان با طرح شعارهایی بیش از توان و قدرت خود (رو‌یایی دیدن عرصه سیاست) و نیز عدم رویارویی مناسب با محافل تمامیت‌خواه سبب شدند که فاصله و شکاف میان مردم و آن‌ها افزایش یابد به گونه‌ای که در آخرین انتخابات ریاست‌جمهوری با وجود هم‌زمانی با انتخابات شوراهای شهر و روستا درصد مشارکت به کمترین میزان خود در تمام سال‌هایی پس از انقلاب کاهش بیابد. دقت شود که انتخابات محلی به صورت طبیعی به علت وجود چالش‌ها و رقابت‌های محلی پذیرای مشارکت بخش‌های بیشتری از مردم می‌باشد.

اصلاح‌طلبان از سوی دیگر به علت ساختار ائتلافی خود دچار مشکلی اساسی‌تر می‌باشند، تعارض و اختلافات شعارها و برنامه‌های بخش‌های مختلف این جریان سیاسی سبب می‌گردد که در عمل بخش‌هایی از شعارها و برنامه‌های این جریان توسط نیروهای درون این جریان نقض شود به عنوان مثال با وجود شعار مدنی از سوی این جریان اما مجلس ششم با اصلاح قانون کار زمینه کاهش قدرت

چانه‌زنی نیروهای کارگری را فراهم نمودند یا اینکه وزارت علوم دولت اصلاحات با عدم برخورد مناسب زمینه‌ساز انشقاق دفتر تحکیم وحدت شد.

نمونه دیگر این تناقض‌ها را می‌توان در شعارهای ابتدای دهه هفتاد نیروهای چپ خط امامی دید، آن‌ها که سال‌ها منتقد شعارها و برنامه‌های تعدیل اقتصادی دولت هاشمی رفسنجانی بودند اما پس از کسب قدرت به جای اجرای شعارها و برنامه‌های خود، بر همان ریل اقتصادی دولت هاشمی باقی ماندند و عملاً دولت اصلاحات تداوم سیاست‌های تعدیل اقتصادی دولت هاشمی بود و حتی با شتاب بیشتری به آن سمت حرکت نمود. (البته این نقد به همه دولت‌های پس از هاشمی حتی دولت‌های احمدی‌نژاد و رئیسی نیز وارد است)

اصلاح‌طلبان در تمام این سال‌ها هنوز هیچ استراتژی مشخصی در برابر مهم‌ترین چالش انتخاباتی خود ارائه نداده‌اند و هنوز برای مقابله با تیغ بران نظارت استصوابی هیچ استراتژی جز تاکتیک نهضت ثبت‌نام ندارند که نتیجه آن رد صلاحیت‌های گسترده‌تر بوده است و عملاً هر دوره دایره تأیید صلاحیت تنگ‌تر و محدودتر شده است و این‌گونه آن‌ها هر دوره نسبت به دوره قبل محدودتر و منفعل‌تر شده‌اند.

اصلاح‌طلبان برای آنکه در آینده سیاسی ایران بتوانند دوباره نقشی فعال و مؤثر داشته باشند می‌بایست پیش از هر چیز نسبت به بازتعریف خود اقدام نمایند و با مشخص نمودن برنامه‌ها و اصول اساسی خود مرزهای خود را با دیگر نیروهای فعال در سپهر سیاسی ایران و نیز بعضاً با برخی نیروها و گروه‌هایی که وارد این جریان شده‌اند را مشخص نمایند.

در حقیقت تنها راه گریز از این سرنوشت محتوم، بازتعریف اصلاح‌طلبی و تعریف استراتژی‌های مشخص و معین و دست برداشتن از فعالیت مبتنی بر تاکتیک‌های لحظه‌ای و انتخاباتی و روی آوردن به سمت فعالیت و عمل مبتنی بر استراتژی می‌باشد.

گرچه آینده از پیش نوشته نشده است؛ اما چند سناریو برای آینده اصلاح‌طلبان قابل تصور است:

اول اینکه اصلاح‌طلبان با عدم ورود نسل جدید و خون تازه به ترکیب ایشان به تدریج در محاق می‌روند و به خاطره‌ای در کنار سایر خاطرات بدل می‌گردند. طبعاً میراث فکری و تجارب عملی ایشان در سپهر سیاسی ایران تا سال‌ها باقی می‌ماند و اثرگذار است.

دوم اینکه افراد شکل‌دهنده این جریان بر اساس مبانی پایدارتر و مشخص‌تری کنش‌ورزی خود را ادامه می‌دهد که در این صورت حداقل سه جریان از دل آن بیرون خواهد آمد که هرکدام طرفدارانی خواهد داشت و نمایندگی طبقات و اقشار مشخصی را خواهد داشت. سوم اینکه با چراغ سبز حاکمیت و جهت حفظ موازنه قوا، مجدداً بخشی از اصلاح‌طلبان به چرخه دولت دعوت می‌گردند و با توجه به مزایای قدرت خیل عظیمی از طرفداران خویش را نیز همراه می‌نمایند. و نهایتاً اینکه این جریان یک‌بار دیگر، اما مصممانه‌تر و بر اساس شعارهای محوری خویش با حذف فرصت‌طلبان از صفوف خویش، محوریت فرایند دموکراتیزاسیون در ایران را به دست می‌گیرند و می‌توانند نسل جوان را همراه خود کنند.

پیش به سوی اتحادیه‌های کارگری مستقل

امیر حسین سمائی

زمان‌های غیر انتخاباتی هم انجام شده است. نویسندگان این مقاله گفتگوهای صنفی و سیاسی در محل کار را یکی از دیگر دلایل افزایش آگاهی سیاسی اعضای اتحادیه‌های کارگری آمریکا می‌داند. طبق آمار رسمی هر فرد آمریکایی تقریباً ۸ ساعت از زمان روزانه خود را در محل کار سپری می‌کند. با توجه به اینکه محیط کار یک فضای اجتماعی دارد، اکثر افراد تمایل به انجام وظایف کاری را به صورت گروهی دارند که این موضوع باعث خلق یک سرمایه اجتماعی مناسب برای گفتگو و تحلیل در رابطه با موضوعات سیاسی و صنفی بین افراد ایجاد می‌کند. هرچقدر گفتگو و تحلیل‌های سیاسی در محیط کار بیشتر رایج باشد افراد به همان نسبت هم آگاهی سیاسی بیشتری کسب می‌کنند.

نویسندگان به توجه به پژوهش‌های مشابه معتقد است گفتگوهای گروهی پراکنده در محل کار نمی‌تواند به آگاهی سیاسی کمک کند و باید این تبادل نظر به صورت هدفمند بر روی یک موضوع خاص صورت پذیرد. به طور مثال در تحقیقات مشابه دیگری مشخص شده است برگزاری جلسات مشترک اتحادیه‌های کارگری با دیگر گروه‌ها و کنشگران مدنی خارج از محیط کار تأثیر بیشتری بر افزایش آگاهی سیاسی دارد.

دیوید مک‌دونالد در این پژوهش آموزش منظم و سازمان‌دهی شده توسط اتحادیه‌های کارگری و جلسات گروهی برای تبادل نظر بین افراد در محل کار، به عنوان دو فاکتور اصلی برای افزایش آگاهی سیاسی معرفی کرده است. حال با توجه به اینکه در کشور ما اتحادیه‌های کارگری سازمان‌دهی شده و قدرتمند وجود ندارد، این سؤال پیش می‌آید چگونه می‌توان از این ابزارها و تکنیک‌های تجربه شده برای ارتقای سطح بینش سیاسی و آگاهی صنفی جامعه کارگری ایران استفاده کرد؟

قطعاً پیدا کردن یک جواب شفاف و دقیق برای شرایط بحران زده فعلی ایران که از تحریم، سوء مدیریت و تمامیت خواهی حاکمیت در عرصه سیاسی رنج می‌برد، کاری بسیار سخت است! با این حال هنوز عرصه کنشگری به صورت کامل بسته نشده است و به لطف وجود فعالین مدنی، گروه‌ها و احزاب مستقل می‌توان با کمک گرفتن از ظرفیت فضای مجازی جامعه کارگری ایران را از حقوق و ظرفیت‌های بالای آنان در نقد حاکمیت آگاه کرد. در این مسیر نخبگان کارگری و صنفی در ایران باید بیشتر از هر زمان دیگر در پی ایجاد یک ارتباط پایدار با احزاب و گروه‌های سیاسی مستقل و نزدیک به مطالبات سیاسی و صنفی جامعه کارگری ایران باشند.

در پایان باید به این نکته توجه کرد با وجود فشارهای سیاسی بالادستی که بر احزاب در داخل ایران وارد می‌شود اما تجربه احزاب در سازمان‌دهی، لجستیکی و فکری می‌تواند به جامعه کارگری برای تشکیل اتحادیه‌های کارگری مستقل صنفی کمک بسیار کند. به امید اینکه این مطالبه‌گری صنفی و سیاسی در پایین‌ترین سطح جامعه تشکیل شود و ما روزی شاهد کاهش مشکلات معیشتی و صنفی جامعه کارگری ایران باشیم.



نشریه (Political Behavior) یکی از نشریات دانشگاهی علوم سیاسی که بر روی رفتار سیاسی افراد، گروه‌ها و احزاب سیاسی پژوهش می‌کند، در آوریل ۲۰۱۹ در مقاله‌ای با نویسندگی دیوید مک‌دونالد به افزایش آگاهی سیاسی اتحادیه‌های کارگری در سال‌های اخیر پرداخته است. نویسندگان در این مقاله معتقد است اتحادیه‌های کارگری مهم‌ترین بخش سیاسی در بسیاری از کشورها هستند و این اتحادیه‌ها تأثیر مستقیمی در بینش سیاسی افراد و تصمیم‌رأی دهندگان در انتخابات دارند. نویسندگان دوروش ارائه مستقیم اطلاعات به افراد و بحث و تحلیل‌های سیاسی در محل کار را مهم‌ترین دلایل افزایش آگاهی سیاسی اعضای اتحادیه‌های کارگری آمریکایی دانند.

اتحادیه‌های کارگری به نوعی احزاب سیاسی هستند و در آمریکا ۱۶ میلیون عضو ثابت دارند و به طور برنامه‌ریزی شده از طریق ایمیل، بروشور و تراکت اطلاعات و تحلیل‌های سیاسی را به دست افراد می‌رسانند. به عنوان مثال فدراسیون کار آمریکا و کنگره تشکل‌های صنعتی آمریکا (AFL-CIO) به صورت هفتگی با ایمیل، تمام اعضا را از آخرین رویدادها و تصمیمات آگاه می‌کنند. اتحادیه‌ها همچنین زمان، هزینه و نیروی انسانی بسیاری در انتخابات سرمایه‌گذاری می‌کنند و معتقد هستند هسته اصلی قدرت سیاسی اتحادیه در تأثیرگذاری مستقیم در نتایج آرای انتخابات آمریکایی می‌شود.

در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۰۴ نزدیک به ۳۰ میلیون نفر از خانواده‌های اتحادیه کارگری به روش‌های مختلف توسط (AFL-CIO) اطلاعات و تحلیل‌های سیاسی مورد نیاز در رابطه با انتخابات راد یافت کردند. همچنین در سال ۲۰۰۸ با مشارکت نزدیک به ۲۵۰ هزار داوطلب توانستند تحلیل‌های سیاسی را با کمک ۷۶ میلیون تماس تلفنی، ۵۷ میلیون ایمیل و ۲۷ میلیون تراکت صنفی در سطح جامعه پخش کنند. علاوه بر این ۱۰۰ هزار داوطلب در انتخابات ۲۰۱۲ با استفاده از تماس تلفنی و مراجعه حضوری به منازل، با ۸۰۰ هزار رأی‌دهنده ارتباط برقرار کردند. همچنین، این آگاهی‌افزایی اتحادیه‌ها محدود به کمپین‌های انتخاباتی نبوده است و به طور دائم این فرایند در



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۱

۶ تیر ۱۴۰۱



گزارش



دیوار شکسته قانون

از پلاسکو تا متروپل

فاطمه قدم

شهروندی، فروریختن ساختمان دادگستری، فروریختن نظام حقوقی، فروریختن ساختمان مجلس بوده‌ایم. اگر نظام نظارت پاسخگوی مناسبی وجود داشت، اگر ساختار قانون گذاری مناسب بود این اتفاقات رقم نمی خورد. ما با نظام حقوقی طرف هستیم که همه جا هست ولی هیچ جا نیست. ما با نظام حقوقی مواجه هستیم که توان انجام عملکرد خود را به خوبی ندارد.

۲. سطح خرد مفاهیم حقوقی:

برای تحلیل حادثه های متروپل و پلاسکو در سطح خرد سه حوزه حقوقی مهم باید مورد توجه قرار گیرد:

۱. حقوق ساخت و ساز ۲. حقوق ایمنی ۳. حقوق مدیریت بحران
وی خاطر نشان کرد که در حادثه مترو پل ضعف های حقوق ساخت و ساز نمود بیشتری پیدا می کند. سپس مثلی از سازمان های مسئول بر اساس نظام حقوقی ساخت و ساز در ایران ترسیم کرد که رأس آن وزارت مسکن قرار دارد که دو صلاحیت اساسی در قانون برای آن پیش بینی شده است:

۱. تدوین مقررات ساختمان ۲. نظارت عالیه بر ساخت و ساز کشور
این متخصص گفت که در پلاسکو مبحث ۲۲ مقررات ملی ساختمان ها که به نگهداری ساختمان ها می - پردازد مطرح بود و به دلیل تازه تدوین شدن این قانون خیلی کار آمد نبود؛ اما ۲۱ مبحث مقررات ملی ساختمان ناظر به ساخت است که ضعف اساسی وزارت مسکن در روز آمد کردن مقررات گذاری ساختمان و رفع ابهامات برای مهندسين و دیگر افراد حاکمی از آن است که وزارت مسکن در اصلاحات این قانون ناتوان می باشد. اگر چه منشأ تمامی این حوادث، ضعف در مقررات مربوط به ساخت و ساز کشور است، اما نباید از نقش نظارت عالیه که وزارت مسکن به راحتی از آن عبور کرده است غافل بود. سپس به ضلع دوم مثلث که شهرداری ها هستند اشاره کرد و گفت که شهرداری ها با توجه به بند ۱۴ ماده ۵۵ قانون شهرداری ها این قانون را بدیل کهنگی، قدیمی و فاقد کاربرد عملی دانستند و همین امر دستاویزی برای انکار مسئولیت آن ها قرار گرفته است. همچنین وقتی شهرداری از یک نهاد حاکمیتی که متولی و مسئول خدمات شهری است به نهاد تجاری تبدیل می شود، باید منتظر هم چنین وقایعی نیز بود.

اما ضلع دیگر مثلث سازمان نظام مهندسی است که این تکلیف را به یک نهاد مدنی واگذار کرده است و نکته قابل تأمل اینکه در مورد ساخت و ساز مترو پل علی رغم اخطارهای داده شده توسط مهندس ناظر و مکفی بودن مستندات، عملاً ممانعتی برای جلوگیری از ساخت و ساز مترو پل به عمل نیامده است.

دکتر هداوند گفت که ما در بین این سه مثلث وزارت مسکن، شهرداری، نظام مهندسی علاوه بر خلاء قانونی و علاوه بر نداشتن قاعده ای برای ضمانت اجرایی به دلیل تعدد ناظرین، نظارت خوبی را نیز شاهد نیستیم.

نشست علمی دیوار شکسته قانون از پلاسکو تا مترو پل سه شنبه ۱۷ خرداد ۱۴۰۱، با حضور دکتر مهدی هداوند رئیس کمیته حقوقی هیات علمی حادثه پلاسکو و دکتر محمد فاضلی، جامعه شناس و مهندس علی زمانی، پژوهشگر حوزه سوانح و بازسازی از سوی انجمن حقوق شناسی با همکاری کمیته سیاست و تنظیم گری انجمن علوم سیاسی ایران برگزار شد.



سخنران اولیه جناب دکتر مهندس علی زمانی به دلیل کندی سرعت در اینترنت موفق به سخنرانی که قابل مفهوم برای مخاطب باشد نشد. سخنران بعدی، دکتر هداوند ابتدای سخنان خود را با تأیید عنوان نشست (دیوار شکسته قانون) شروع کرد و گفت که دیوار شکسته تمثیلی است از وضعیت نظام حقوقی ما در این حوزه و هم اینکه عبارت دیوار شکسته عبارتی است که در شهرداری ها برای مسئولیت خود به جهت حفظ شهر از خطر حریق، سیل و خطر بناها و دیوار شکسته ذکر می کنند و معنای دیگر از دیدگاه خودم این است که ما شهر را با قانونی اداره می کنیم که ناگزیر باید واهی مثل دیوار شکسته را آن قدر تفسیر موسعی یا روز آمدی بدهیم تا بتوانیم مسئله های امروز را با این قوانین هماهنگ کنیم که قطعاً قوانین به دلیل کهنگی و روز آمد نبودن نیاز به تعدیل دارند.

دکتر هداوند گفت که در مدت ۵ سال خدمت خود در هیئت ملی حادثه پلاسکو علی رغم تحلیل هایی که انجام شد و علی رغم ارائه راهکار برای اصلاحات حقوقی در مورد عملکرد و ضعف سازمان ها در حوزه ساختمان و همچنین در حوزه مدیریت کماکان تغییری رخ نداده است و متأسفانه برای همه مسائلی که در پلاسکو مطرح بود امروز در مورد مترو پل نیز صدق می کند.

سپس این متخصص در دو سطح به تحلیل این حوادث پرداختند:

۱. سطح کلان مفاهیم حقوقی:

علل فروریختن سازه ها این است که قبل از فروریختن این ساختمان ها ما شاهد فروریختن سازمان ساختار حاکمیت قانون، فروریختن حقوق



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۱

۶ تیر ۱۴۰۱



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۱۵
۶ تیر ۱۴۰۱

وی مالک و پیمانکارانی که کار ساخت و ساز را انجام می دهند در مرکز مثلث قرار دارد و گفت اولین انگشت اتهام به سمت مالک می رود و در قانون مدنی و قانون جزا مسئولیت سنگینی برای مالک دیده شده است و البته این دلیلی بر سلب مسئولیت از شهرداری، وزارت مسکن و یا نظام مهندسی نمی گردد. دکتر هداوند در قسمت دوم تحلیل خود از واژه دیوار شکسته استفاده کرد و گفت که این دیوار شکسته خیلی در کشور ما مصداق دارد. در کشور ما نهادهای اداره کننده ای مثل وزارت کشور یا وزارت کار یا مقامات عدم تراکم محلی مثل فرماندار، استاندار، یا شورای تأمین مالی هستند که همه در این وقایع مسئول می باشند.

این سخنران در خصوص شورای تأمین مالی گفت که اولین مفهوم این شورا امنیت است و ایمنی جز - لاینفک امنیت است. امروز مسئله ایمنی می تواند به مسئله امنیتی تبدیل شود اما نهادهای امنیتی درک صحیحی از مفهوم ایمنی ندارند. به طور مثال مادر دادرها، دادرای فرهنگ، دادرای رسانه، داریم و شاهد مسئله امنیتی در این دادرها هستیم، اما دادرای ایمنی نداریم.

همچنین در حوزه حقوقی در وزارتخانه کشور، استانداری، فرمانداران و بخش دارای، اولویت اصلی خود را به توسعه شهرها، بدون توجه به مسائل امنیتی، به حق شهروندی، حق ایمنی شهر و ... می دهند.

در پایان از فقدان افراد توانمند و متخصص در صورت ایجاد تغییرات ساختاری و سازمانی گفت و اظهار امیدواری کرد تا اراده ای شکل بگیرد و مشکلات رفع شوند.

سخنران بعدی دکتر فاضلی گفت که تمامی صحبت های خود را به عنوان تعاملات پس از پلاسکو نام گذاری می کنم زیرا در پلاسکو ایده ما این بود که یک مسیر تاریخی را بررسی کنیم که چگونه منجر به فروریزی ساختمان شده است و تفاوت عمده با مترو پل این است که در ساخت پلاسکو هیچ فسادی صورت نگرفته بود و طراحی و سازه به درستی شکل گرفته بودند و مشکل اصلی در فرایند نگهداری ساختمان پلاسکو بود؛ اما در مترو پل با توجه به گزارش ها وصول شده، فساد و نقض قانون شکل گرفته است.

وی گفت که از منظر جامعه شناسی اولین حامی قانون، نیروی اجتماعی است. چیزی که امروز قانون را قانون می کند نیروی اجتماعی است که آن را مطالبه و حمایت می کند.

در ادامه با اشاره به مسئولیت خود در کمیته اجتماعی و رساله پلاسکو گفت که مادر همان سال نسبت به تدوین پروتکل ها در اطلاع رسانی بحران ها اقدام کردیم و از فقدان درس یا رشته ای تحت عنوان ژورنالیست بحران، پرده برداری کردیم، اما گویی همان اطلاع رسانی غلط به همان رویه تکرار می شود، گویی از فاصله پلاسکو تا مترو پل هیچ درس آموزی صورت نگرفته است و هیچ الگویی برای بهبود شکل نگرفته است.

اساسا سؤال جامعه شناسی این است که چرا جامعه ایران یاد نمی گیرد؟ پاسخ اول این است که نیروی اجتماعی مطالبه گری وجود ندارد.

این متخصص با استناد به متن یک جمله از کتاب توانمندسازی حکومت از مت اندرز به شرح ذیل گفت: به نظرم ۹۰ درصد فروریزی مترو پل و دیوار شکسته قانون در این پاراگراف خود را به خوبی نمایان می کند.

”خیلی چیزها برای توسعه نیافتگی وجود دارد، خیلی بررسی ها شکل گرفته است، خیلی دلایل وجود دارد که چرا سازمان ها ناتوان اند، چرا آتش نشانی پروتکل های خود را بازنگری نمی کند، چرا شهرداری ها تعارض منافع دارند؟ بعد سال ها بررسی و مطالعه و تحقیق فهم ما می گوید: عنصر گمشده در تلاش های پیشین ناتوانی در بسیج یک جنبش اجتماعی پر شور متشکل از شهروندان و پژوهشگران و کارشناس توسعه بوده است تا از آن تغییر ضروری پشتیبانی کنند.

بنابراین جامعه درجایی تغییر می کند که یک جنبش اجتماعی مؤثر بتواند دو بال یک قیچی، یعنی بال پول و قدرت را کنترل کند در مترو پل به وضوح شاهد این قضیه هستیم که بال پول با مالکیت عبدالباقی و بال قدرت با حمایت سازمانی شهرداری، حمایت پدرخوانده های خوزستان یا حمایت منطقه آزاد و ... این قیچی جان قریب ۴۲ نفر را در آبادان گرفته است. در صورتی که این قیچی باید دارای بال دیگری باشد که بتواند پول و قدرت را پاسخگو کند که این امر فقط به کمک یک جنبش اجتماعی امکان پذیر است.

وی از سیاسی خواندن جریان پلاسکو نقد کرد و گفت تلاش بنده و همکارانم در کمیته پلاسکو یک جریان سیاسی نبود بلکه در راستای خدمت به مردم کشور بود و در نهایت هیچ حکمی در هیچ دادگاهی علیه هیچ مقام مسئولی صادر نشد و مادامی که در کشوری صاحبان قدرت سیاسی در هیچ دادگاه علنی محاکمه نشوند، متروپل ها اصلاح نخواهند شد.

در نهایت به این نتیجه می رسیدیم که سه قاعده اصولی باعث استحکام ساختمان ها می شود:

۱. برابری سیاسی
۲. دستگاه قضایی مستقل که بتواند همه برابران سیاسی را جدا از قدرت سیاسی آن ها محاکمه کند.

۳. جنبش اجتماعی به عنوان پشتوانه این دو مورد
این کارشناس از فقدان برگزاری دادگاه علنی برای بازماندگان این حوادث اظهار ناراحتی کرد و گفت باید اجازه دهیم تا بازماندگان متروپل خواستار برگزاری یک دادگاه شوند و هر فرد مسئولی در هر سطح و مقامی مجازات شود و این نقطه، آغاز اصلاحات است تا همگان بدانند وقتی مترو پل فرو می ریزد باید پاسخگو باشند.

این جامعه شناس از بعد دیگر به قضیه پرداخت و گفت تا زمانی که قانون به خوبی رعایت نشود دیوار شکسته قانون معانی خاصی پیدای کند و بی ارزش خواهد شد و قبل از اینکه ستون های متروپل فرو بریزد ستون سازمان ها فرو ریخته است.

در پایان این متخصص گفت که سال هاست که صفحات بروکراسی ایران از افراد متخصص، تحت فشار فقدان برابری سیاسی تهی شده، سال ها استقلال سازمان ها از بین رفته، سال ها مالیه سازمان ها مخدوش شده، سال ها تعارض منافع اتفاق افتاده، سال ها جنبش های اجتماعی برای حمایت از اجرای قانون نادیده گرفته شده یا غیرمجاز در نظر گرفته شده است و نتیجه آن بروز یک فرایند سیاسی اجتماعی است که موجب فروریزی متروپل در فقدان برابری سیاسی و فقدان استقلال قضایی شده است.

این کارشناس در پاسخ به سؤال دبیر جلسه در خصوص موانع تشکیل جنبش اجتماعی گفت که فقدان یک قرارداد اجتماعی که بتواند آزادی شهروند را برای ۲۰۰ سال مهم به رسمیت بشناسد، یک سازمان دهی و دیگری اعتراض است که جامعه بشری فقط با این دو بال می تواند شهروندان را به حرکت وادارد.





مهدی هداوند

دکتری حقوق عمومی و استاد دانشگاه‌های شهید بهشتی و آزاد سوابق مرتبط:

۱. مسئول امور قراردادهای داخلی و بین‌المللی در هلدینگ سرمایه‌گذاری سامانه استراتوس
۲. مدیر حقوقی و امور قراردادهای پروژه ساخت شهر هفت هزار واحدی اوهدا؛ استان سولیا؛ کشور ونزوئلا (شرکت خانه‌سازی ارکیده)
۳. تألیف کتاب نظام حقوقی رسیدگی به اختلافات عوارض (کمیسیون ماده ۷۷ قانون شهرداری) (انتشارات جاودانه، به همراه آقای هرمز یزدانی)
۴. تألیف کتاب نظام حقوقی رسیدگی به تخلفات مهندسین ساختمان (شورای انتظامی) (انتشارات جاودانه، به همراه آقای محمد احمدی)

محمد فاضلی

جامعه‌شناس ایرانی و استادیار سابق دانشگاه شهید بهشتی است. سوابق مرتبط:

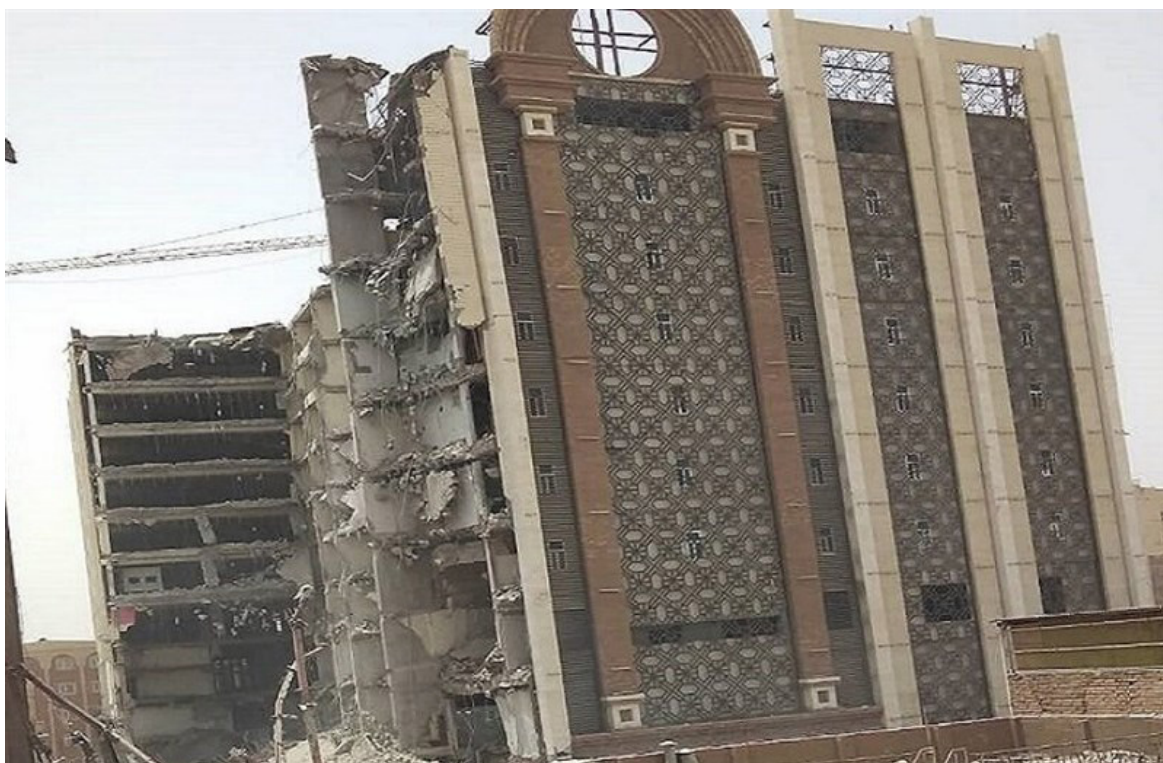
۱. مشاور وزیر نیرو و رئیس سابق مرکز امور اجتماعی منابع آب و انرژی
۲. معاون پژوهشی مرکز بررسی‌های استراتژیک
۳. مدیر شبکه مطالعات سیاست‌گذاری عمومی از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶
۴. عضو هیئت ویژه گزارش ملی بررسی حادثه ساختمان پلاسکو
۵. تألیف کتاب ایران بر لبه تیغ، ناشر: روزنه
۶. گردآوری کتاب شهر، حمل‌ونقل و زندگی روزمره، ناشر: تیسرا



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۱

۶ تیر ۱۴۰۱





هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۱
۶ تیر ۱۴۰۱

شبهای بی پایان اقتصادی

رضاعلی آبادی

نخ نما و پوسیده شده است
تصویری که بخشی از اموال مسروقه یکی از شعب بانک ملی را نشان می داد به وضوح بیانگر این حقیقت است که میلیاردها دلار سرمایه را کدی وجود دارد که توسط مردم به طریق مختلف نگهداری می شود
حال با توجه به این اموال هنگفتی که توسط مردم از ترس هدر رفتن سرمایه به علت تورم نگهداری می شود و اخباری مبنی بر دستگیری اختلال گران، حکایت از آن دارد که با این راهکار زمانی مسئله حل می شود که تمام مردم دستگیر شوند
رئیس بانک مرکزی در واکنش به افزایش قیمت ها اعلام کرد: (عرضه ارز را بیشتر می کنیم، ایشان خاطرنشان کرد که اکنون بیشتر از هر زمان دیگری در تاریخ بانک مرکزی، اسکناس در اختیار داریم و مقررات مربوط به تقاضای بازار در حوزه اسکناس را تسهیل می بخشیم). لازم به ذکر است که طبق مصوبه اخیر شورای عالی سران قوا در ایران، بانک مرکزی اختیار نامحدود برای دخالت در بازار را نیز خواهد داشت.
مطلب قابل توجه دیگری که در افزایش قیمت دلار وجود داشت رکوردشکنی فاصله نرخ آزاد و رسمی معاملات دلار امریکا است که به

شاخص کل بورس و اوراق بهادار طبق تحلیلی که در شماره ۳۹ دوهفته نامه حزب اراده ملت منتشر شد، به سقف ناحیه مقاومتی واکنش نشان داد و اکنون با شروع یک روند نزولی، خود را به ۱۵۱۳۰۰۰ واحد رسانده و در تلاش است که خود را در این قیمت تثبیت کند اما ...
متأسفانه دیگر اقلامی که در شماره قبلی دوهفته نامه بررسی شده بود، طبق تحلیل در روند افزایشی خود پیشروی کردند و دلار با شکست مرز ۲۸ هزار تومان خود را به قیمت ۳۳ هزار تومان نیز رساند و همچنین طلا ۱۸ عیار از قیمت ۱۳۰۲۴۱۰۰۰ با افزایشی کم سابقه به قیمت ۱۵۰۱۶۸۰۰۰ رسید.
در این میان بازار سکه نیز سکه بود، سکه برای دومین بار به مرز ۱۵۰۴۵۱۰۰۰ رسید و با شکست این ناحیه مقاومتی به قیمت های تازه ای دست پیدا کرد و رقم ۱۵۰۸۸۰۰۰۰ را به عنوان سقف بعدی خود معرفی کرد.
طی اخباری که در تاریخ ۱۴۰۱/۰۳/۲۲ خبرگزاری ایرنا در صفحه اینستاگرام خود منتشر کرد، ۳۱ نفر از سرشاخه های معاملات فردایی ارز و طلا دستگیر شدند.

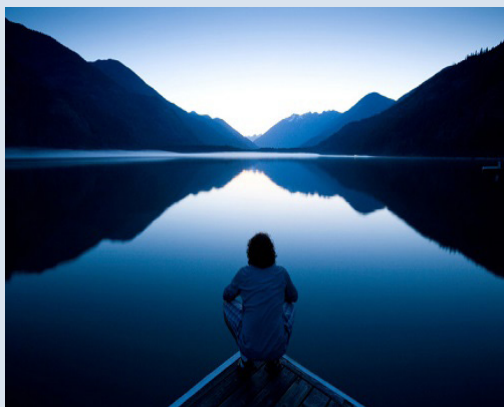


شش هزار تومان رسید
این رکورد افزایش فاصله نرخ آزاد و رسمی نشان دهنده جدایی بازار آزاد از بانک مرکزی است یا به عبارتی بازار آزاد به دین خود بود و بانک مرکزی هم به دین خود
حال با توجه به مصوبه اخیر که به بانک مرکزی اختیارات نامحدود می دهد و خط مشی ایران در موضع سیاست خارجه باید دید تا چه اندازه این تصمیم اثربخش خواهد بود. آیا بانک مرکزی می تواند قیمت ها را کنترل کند یا خیر؟

از این قبیل اخبار پس از هر افزایش قیمت اقلام ارزشی منتشر می شود که حاکی از عدم کنترل بر ماهیت اقتصادی قیمت ها دارد
در دهه اخیر، دستگاه های مختلف جمهوری اسلامی هنگام مواجهه با بحران های اقتصادی که جامعه را تحت تأثیر شدید خود قرار می دهد، سعی کرده اند با دستگیری و یا اعدام برخی افراد که آن ها را سلطان آن حوزه اقتصادی نامیده اند، مدعی برخورد با عوامل اصلی شوند، هر چند که در مواردی همچون ارزهای خارجی و به ویژه دلار، این سیاست به دلیل تکرار استفاده از آن، به گفته بسیاری از فعالان این عرصه



اندیشه



مباحث فلسفی پیرامون مسئله "اختلاف نظر" مسلح به فلسفه؛ به سوی زندگی مسالمت آمیز

کاظم طیبی فرد

که از یک پدیده واحد، معرفت‌ها و باورهای گوناگونی وجود داشته باشد که در عین حال، همگی صادق و درست باشند چرا که هر کدام از ما از زاویه دید خود و بر اساس مقتضیات زیستی و ادراکی خاص خودمان درکی از پدیده‌ها پیدا می‌کنیم.

صرف‌نظر از خطا و اشتباه در درک و فهم، حتی ادراکات صادق نیز می‌توانند با یکدیگر متفاوت باشند و حتی از وجوهی متناقض و متضاد به نظر برسند.

اختلاف‌نظرهای مادارای چنین منشأی هستند. معرفت‌شناسی فلسفی ما را به چنین منشأی آگاه می‌کند و آگاهی به منشأ اختلاف، حتماً و لاجرم اولین قدم برای تحمّل دیگری و فهم‌های دیگر است.

کتاب "اختلاف‌نظر" نوشته برایان فرانسیس که با ترجمه خانم دکتر غزاله حجتی به زیور طبع آراسته گردیده، ضمن منشأشناسی "اختلاف‌نظر"، راهکارهای عملی و عقلانی برای مواجهه در خود دارد (۱). ناشر این کتاب یعنی نشر کرگدن، معرفی کوتاه اما جامع و گویایی از فحوای کتاب را در پشت جلد آن آورده:

اختلاف‌نظر همه‌جا هست و می‌تواند بر سر هر چیزی باشد. ممکن است در حوزه سیاست، دین، اخلاق، ورزش، فلسفه تاریخ، علم، سرگرمی و تجارت پدید آید. اختلاف‌نظر پدیده‌ای شایع است.

این کتاب در مرز بین معرفت‌شناسی نظری و کاربردی قرار دارد و به این مسئله می‌پردازد که وقتی متوجه می‌شویم افرادی با ما مخالف‌اند، باید چه کنیم. کانون توجه کتاب "اختلاف‌نظر" در زندگی واقعی و نیز در کاری است که انتظار می‌رود در واکنش به کشف اختلاف‌نظر انجام دهیم. نویسنده از پرداختن به مسائل صرفاً نظری و اختلاف‌نظرهای خیالی چشم‌پوشی کرده و کار خود را بررسی پرسش معرفت‌شناختی قرار داده است.

اگر می‌توانستیم اختلاف‌نظرهایمان را بهتر حل و فصل کنیم احتمالاً زندگی میلیون‌ها نفر رانجات می‌دادیم و از اینکه میلیون‌ها نفر دیگر در فقر و فلاکت زندگی کنند جلوگیری می‌کردیم؛ فقط اگر می‌توانستیم.

این کتاب، نشر آن و توجه به مباحثی پیرامون موضوع آن، امری مبارک برای جامعه به شدت متشتت ماست. مترجم این اثر، در تألیف اثری دیگر، مبانی اختلاف‌نظر دینی (۲) را بر شمرده و به بررسی وجوه معرفت‌شناختی مسئله پرداخته اما همّت "مدرسه مطالعات دیالوگ باشگاه اندیشه" در برپایی سلسله نشست‌هایی در موضوع "اختلاف‌نظر" فتح باب و نقطه عطفی برای ادامه چنین مباحث کاربردی و در عین حال نظری‌ای است که لزوم انجام آن، امروزه بیش از پیش پدیدار و بدیهی است.

باشگاه اندیشه میزبان صاحب‌نظرانی چون دکتر محمدابراهیم آزادگان، دکتر غزاله حجتی، دکتر جواد حیدری، دکتر هادی خانیکی، دکتر محسن زمانی، آیت‌الله سروش محلاتی، دکتر حسین شیخ رضایی، دکتر محمود مروارید، اردشیر منصوری و محمدرضا طیبی است تا در عصر شنبه هر هفته در محل باشگاه به یکی از وجوه عملی یا نظری موضوع "اختلاف‌نظر" بپردازند.

در صفحه رسمی باشگاه اندیشه برای معرفی این دوره چنین آمده: اختلاف‌نظر، امری به ظاهر رایج و بدیهی است که در شاخه‌های مختلف



معرفت‌شناسی از شاخه‌های مهم فلسفه است که به چیستی و ماهیت آنچه ما آن را با نام‌های دانش، علم، معرفت و باور می‌شناسیم، می‌پردازد و تلاش می‌کند شرایط حصول معرفت را بشناسد و بشناساند.

طبق تعریف سنتی معرفت در معرفت‌شناسی، معرفت عبارت است از باور صادق موجه؛ یعنی باوری که مطابق واقع بوده و صادق باشد به شرط آنکه بنا بر ادله‌ای توجیه‌پذیر به دست آمده و صدقش از نظر عقلی موجه باشد.

چیستی معرفت و چگونگی به دست آوردن آن همواره مسئله‌ای فلسفی بوده اما از زمان کانت و نقدهای سه‌گانه‌اش، این مبحث رنگ و بوی دیگری یافت. بنا بر دیدگاه کانت، ما در نهایت همراهی بخت و اقبال و در اوج قدرت درک و شهود حسی، می‌توانیم به "نمود" اشیاء و پدیده‌ها معرفت پیدا کنیم، "بود" آن‌ها دور از دسترس عقل ماست و دست نیافتی است.

بنابراین، هر یک از معرفت‌های ما، بر اساس توان ادراکی و استنباطی ما و وابسته به شرایط و مقتضیات محاط بر ماست. از همین رو بیراه نیست

غزاله حجتی تحت عنوان "آشنایی با مفاهیم معرفت‌شناسی اختلاف‌نظر" مقدمات بحث را مطرح و کلیات مسئله را پیشروی مخاطبان قرارداد. در نشست دوم، روز ۲۸ خردادماه، دکتر محسن زمانی ذیل مبحث "شواهد و باور" به این پرسش که آیا که شواهد واحد می‌توانند رویکردهای باوری متفاوت را موجه کنند، پرداخت.

در صفحه رسمی باشگاه اندیشه موضوع این نشست چنین معرفی شده: وقتی با کسی اختلاف نظر داریم که شواهدمان درباره موضوع اختلافی یکی است، آیا باید در باور خود تجدیدنظر کنیم. این سؤال آسانی نیست. شاید به این خاطر موقعیت وصف شده در سؤال را پرسش برانگیز می‌یابیم که فکر می‌کنیم نمی‌شود که هر دو درست بگوییم، بالاخره شواهد مشترکمان حداکثر نظر یکی از ما دو نفر را حمایت می‌کند. اگر با این گفته همدلید "اصل یکتایی" را درست می‌دانید و اگر همدل نیستید این اصل را نادرست می‌شمارید.

در این نشست، سخنران، دکتر محسن زمانی، به بررسی و توضیح استدلال‌های تامس کلی در رد اصل یکتایی پرداخته و در نشست آینده، دکتر محمود مروارید، در سومین نشست این دوره، بحث از مسئله "شواهد و باور" را پی می‌گیرد و برای تکمیل این بحث، استدلال‌های راجر وایت را به نفع اصل یکتایی بررسی خواهد نمود.

این سلسله نشست‌ها، در شنبه‌های آینده نیز ادامه خواهد یافت و حضور عموم علاقه‌مندان در آن آزاد و رایگان خواهد بود. علاوه بر این، از طریق صفحه اینستاگرامی باشگاه اندیشه نیز می‌توان از جلسات به صورت مجازی و بر خط بهره برد.

علوم و زندگی روزمره دیده می‌شود. اما در طی تاریخ طولانی فلسفه، کمتر به عنوان موضوعی مستقل شناخته شده است. به نظر می‌رسد یکی از تلاش‌های اندیشمندان در تاریخ تفکر، در کنار پاسخ به سؤالات اساسی و غیراساسی - متناسب با نیازها و خواسته آدمیان - حل اختلاف‌ها و پر کردن شکاف‌ها بوده است.

عموماً میل عالمان به این است که گزاره‌هایی معقول و منسجم درباره عالم داشته باشند و برای نیل به این مقصود می‌بایست ابتدا به حل و فصل دیدگاه خود در کنار دیدگاه‌های دیگر بپردازند. در سطح زندگی روزمره نیز بارها با انواع "اختلاف‌نظر" مواجه می‌شویم و هر کجا که صحبت از حقوق اساسی آدمیان مثل آزادی و حق انتخاب و همزیستی در کنار دیگران می‌شود، اختلاف پُررنگ‌تر می‌شود و بیشتر رخ می‌نماید (۳).

بر مبنای چنین نگرشی، مدرسه مطالعات دیا لوگ باشگاه اندیشه در سلسله نشست‌های "اختلاف‌نظر" در پی یافتن پاسخ به پرسش‌هایی از این قبیل است که اختلاف‌نظر چیست؟ چگونه اختلاف‌نظر را بفهمیم؟ آیا شواهد واحد می‌توانند رویکردهای باوری متفاوتی را توجیه کنند؟ سیمای اختلاف‌نظر در آیین سنت فکری اسلامی ایرانی ما چیست؟ سهم توجه به "اختلاف‌نظر" در علوم اجتماعی، سیاسی و دینی چه میزان است و در هر یک با چه چالش‌هایی مواجه هستیم؟ "اختلاف‌نظر" منجر به بازسازی می‌شود یا تخریب؟ رابطه "اختلاف‌نظر" با نسبی‌گرایی چیست؟ و در نهایت کمک به یافتن این پرسش کلیدی که راه‌های مواجهه با "اختلاف‌نظر" کدام‌اند؟

اولین نشست از این سلسله نشست‌ها در روز ۲۱ خرداد برگزار شد و دکتر



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

مطالعات دیا لوگ

درباره اختلاف نظر disagreement

بهار و تابستان هزار و چهارصد و یک
شنبه ها ساعت هجده و سی دقیقه

شروع نشست ها:
بیست و یک خرداد

با گفتارهایی از

محمد ابراهیم آزادگان

غزاله حجتی

جواد حیدری

هادی خانیکی

محسن زمانی

محمد سروش محاتی

حسین شیخ‌رضایی

محمود مروارید

اردشیر منصوری

محمد رضا لیب

و

خیابان انقلاب
خیابان وصال شیرازی
کوچه ناییبی

bashgah.andisheh
bashoahandishe



هفته‌نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۱
۶ تیر ۱۴۰۱

بازگشت به اصلاحات گام به گام

خروجی راهبردی انتخابات ۱۴۰۰ برای اصلاح‌طلبان چه بود؟

هفته گذشته مقاله مفصل و زیبایی از آقای محمدجواد روح به‌عنوان سرمقاله در هفته‌نامه صدا شماره ۱۰۸ به چاپ رسید که در آستانه یک‌سالگی انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۴۰۰ با بررسی راهبرد اصلاح‌طلبان در این انتخابات پرداخته بود. در این بخش نشریه علاوه بر بازنشر مجدد این مقاله دو نقد مختصر بر آن را که نوشته دو نفر از اعضا شورای مرکزی حزب اراده ملت ایران است را به شما خوانندگان محترم ارائه می‌نماییم.



(این مطلب به‌عنوان سرمقاله شماره ۱۰۸ هفته‌نامه صدا در شنبه ۲۸ خرداد ۱۴۰۱ منتشر شده است)

یک سال پس از ۲۸ خرداد ۱۴۰۰ همچنان شکاف‌ها و تعارضات راهبردی میان اصلاح‌طلبان بر سر برخوردی متفاوتی که با آن انتخابات داشتند، بر سر جای خود پایدار مانده است. کمترین رخداد یا سوژه‌ای که از سوی دولت سیزدهم (و حتی مجلس یازدهم) بروز می‌یابد، در فضای مجازی، گروه‌ها و محافل سیاسی به بهانه‌ای تبدیل می‌شود برای احیای شکاف ۱۴۰۰. شکافی که البته، مربوط به ۱۴۰۰ نبود و ریشه در دو نوع مواجهه با امر انتخابات در میان نیروهای اصلاح‌طلب داشت که گرچه در ادوار قبل هم تعارضاتی را شکل داده بود؛ اما این بار توازن قوا (از منظر نخبگان سیاسی و فکری حامی دو راهبرد متمایز) چنان بود که عملاً جریان اصلاحات دوباره شد و نیروی مخاطب تصمیم اصلاح‌طلبان، در اینکه با کدام راهبرد همراهی کند، بلا تکلیف می‌ماند. از آنجا که شخصاً در انتخابات ۱۴۰۰ از حامیان راهبرد "تداوم مشارکت" بودم، مناسب دیدم در سالگرد ۲۸ خرداد با رویکردی تاریخی - نظری به بازخوانی ریشه‌های این تعارض راهبردی و نقد راهبرد "مشارکت مشروط در انتخابات" بپردازم. راهبردی که در انتخابات ۱۴۰۰ به‌جایی رسید که جبهه اصلاحات ۹ نامزد را معرفی و اعلام کرد در صورت تأیید آن‌ها در انتخابات شرکت خواهد کرد. طرف مقابل هم به‌سادگی هر ۹ نامزد و عملاً جریان اصلاحات را رد صلاحیت کرد و این جناح سیاسی را از میدان بیرون راند.

حتی رد صلاحیت علی لاریجانی که احتمالاً می‌توانست تجربه حسن روحانی در سال ۱۳۹۲ را تکرار کند و از "حمایت دقیقه ۹۰" اصلاح‌طلبان برخوردار شود، از این منظر خاص، ریشه در همین پروژه حذف اصلاح‌طلبان از میدان انتخابات داشت. در این شرایط، باقی ماندن دو چهره اصلاح‌طلب در میان کاندیداها (که البته در آن لیست ۹ نفره جبهه اصلاحات نبودند)، زمینه احیا و شکل‌گیری تعارض راهبردی میان اصلاح‌طلبان را فراهم ساخت و آتشی که به نظر می‌رسید زیر خاکستر مانده، برافروخت. این در حالی بود که نتیجه انتخابات و نیز نرخ پایین مشارکت کاملاً قابل پیش‌بینی بود و البته، بخشی از اصلاح‌طلبان هم به دلیل همین "محتوم بودن شکست"، رد صلاحیت‌ها را فرصت مناسبی یافتند تا کنار بروند و شکست انتخاباتی را در کارنامه خود نبینند. امروز که یک سال از ۲۸ خرداد می‌گذرد، فارغ از نتیجه‌ای که در انتخابات ۱۴۰۰ رقم خورد و فارغ از عملکرد دولت سیزدهم و اینکه در صورت انتخاب عبدالناصر همتی وضع موجود تا چه حد متفاوت بود؛ می‌توان این پرسش را پیش نهاد که "خروجی راهبردی انتخابات ۱۴۰۰ برای اصلاح‌طلبان چه بود؟". این پرسش از آنجا مجال طرح می‌یابد که این انتخابات نشان داد شکاف و تعارض راهبردی چه در راس و چه در بدنه جریان اصلاحات جدی است و نمی‌توان آن را با وساطت و رایزنی و یا با پیام بزرگانی چون خاتمی و کروبی و بهزاد نبوی هم رفو کرد (چنان که رفتار خود این بزرگان هم متأثر از آن شکاف و تعارض راهبردی است). این در حالی است که "اصلاح‌طلبی" در اساس، یک ائتلاف میان نیروها و جریان‌هایی با ایدئولوژی‌ها و منافع متفاوت بر سر استراتژی عمل سیاسی است و اگر خود جریان اصلاحی تا این حد دچار تعارض استراتژیک باشد، موجودیت آن موضوعیتی ندارد. مقاله پیشرو، در آمدمی است برای ورود به این بحث، از منظر پافشاری بر "اصلاحات گام به گام" (به‌مثابه یک راهبرد سیاسی - تاریخی) و نقد "مشارکت مشروط" (به‌مثابه یک راهبرد انتخاباتی غیر تشریخ و شکاف آفرین). البته، حق هر جریان سیاسی است که در ساختار موجود، انتخابات را فاقد موضوعیت بداند و از "تحریم" یا "عدم شرکت" بگوید؛ اما راهبرد "مشارکت مشروط" که در آن، مشارکت انتخاباتی مشروط به شرایطی می‌شود که نیروی سیاسی نقش‌چندانی در تحقق آن‌ها ندارد، عملاً چیزی نیست جز سپردن گردن اصلاحات به تیغ استصواب.

۱- پیشینه تاریخی اصلاح‌طلبی گام به گام: شعار خاتمی، سیاست بازگان

شعار اصلی اصلاحات دوم خرداد، "فرادی بهتر برای ایران اسلامی" بود.

فارغ از تعاریف آکادمیک و نیز سطح‌بندی و صورت‌بندی که از گونه‌های متفاوت اصلاح‌طلبی می‌توان داشت، جای این سخن هست که شعار انتخاباتی سید محمد خاتمی، عبارتی کوتاه و گویا بود که می‌تواند در هر مقطع از مبارزه سیاسی، سقف و کف خواست ما از اصلاحات را تبیین کند. به عبارت بهتر، اصلاح‌طلبی از این منظر بسته به مجموعه شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، توازن واقعی قوا و نیز آرایش نیروها می‌کوشد گامی به‌پیش بردارد و وضعیتی بهتر را شکل دهد. حال ممکن است زمانی چنان شرایط فراهم باشد که برداشتن این گام به‌پیش، به معنای گشایش سیاسی - اجتماعی، ورود نیروهای محذوف به ساخت قدرت یا ساخت



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۱

۶ تیر ۱۴۰۱

شعار “فردای بهتر” خاتمی از این پشتوانه تاریخی “گام به گام” بازگان برخوردار بود و هر دوی این شعارها، بیش از هر چیز، رد انقلابی گری هم در اندیشه و هم در عمل بود. (در اینجا، منظور از مخالفت با انقلاب در اندیشه، مخالفت با “اندیشه سیاسی انقلابی گری” است و نه نفی انقلاب در فکر، به معنای ساختار شکنی و تعصب زدایی).

اما این سیاست “گام به گام” یا “فردای بهتر” به چه معناست؟ چنان که اشاره شد، معنای این شعارها (و به بیان درست تر: راهبردها) این است که نیروی اصلاح طلب، در هر شرایطی اگر امکان یک گام پیش رفتن و بهتر کردن شرایط جامعه یا پس راندن نیروی مخالف را دارد، سزاست که آن گام را بردارد. در این میان، گاه ممکن است اکثریت جامعه نیز با نیروی سیاسی همراهی کند (همچون سال های ۷۶، ۷۸، ۹۲، ۹۴ و ۹۶) و زمانی هم همراهی نکند (همچون سال های ۸۴ و ۱۴۰۰)؛ اما مسئله مهم تر از همراهی کردن یا نکردن جامعه، این است که نیروی سیاسی از استراتژی خود (راهبرد اصلاحی) دست نکشد. به عبارت دقیق تر، نیروی سیاسی نباید استراتژی مبنایی خود را که همانا “اصلاح طلبی” است، تابع متغیرهای دیگر کند. این دو متغیر، یکی جامعه (رأی دهندگان) است و دیگری، حکومت (ساختار انتخاباتی). در ادامه، هریک از این دو متغیر را توضیح می دهیم.

۲- اصلاحات گام به گام و رأی دهندگان: جامعه ای که کوتاه مدت است

یکی از مهم ترین نظریه های سیاسی که توانسته جامعه ایران را توصیف کند، نظریه “جامعه کوتاه مدت” دکتر همایون کاتوزیان است. اگر به تحولات جامعه ایران در تاریخ معاصر بنگریم، تقریباً همه آن ها با این نظریه قابل تبیین هستند و یا دست کم، ردپایی از “جامعه کوتاه مدت” در آن ها دیده می شود: شکست مشروطه، حاکمیت دیکتاتوری رضاخانی، برآمدن دولت مصدق به عنوان نیروی اصلاح طلب و سپس هل دادن او به سمت انقلابی گری و در آخر سقوط آن، تحولات دهه ۴۰ و برخوردی که جبهه ملی و دیگر نیروهای اپوزیسیون با دولت علی امینی و حتی اسدالله علم کردند که خروجی آن، تقویت و تشدید دیکتاتوری محمدرضا شاهی بود. پس از آن، خود انقلاب رخ داد که گزینه های بدیل و اصلاح طلبانه ملی گرایان و روشنفکران لیبرال و حتی برخی روحانیون محافظه کار را به حاشیه راند. پس از انقلاب نیز، در هر سه دولت میانه روی بازگان، خاتمی و روحانی شاهد حرکت سینوسی جامعه هستیم. جامعه ای که ناگاه یک چهره سیاسی یا فرهنگی را به مثابه فرصتی تاریخی می انگارد و به او می چسبد و با تمام نیرو از او حمایت می کند و بالایش می برد؛ اما ناگهان چنان رهایش می کند که با سر به زمین بخورد. البته، در این روند کار شکنی و مقاومت نیروهای محافظه کار و اقتدار گرای رقیب و نیز ضعف ها و ایرادهای تاکتیکی، رهبری، تشکیلاتی، رسانه ای و... خود نیروی سیاسی اصلاح طلب هم مؤثر بوده که ناامیدی جامعه را در پی می آورد. اما

سیاست و حتی در سطحی کلان تر، “اصلاحات ساختاری” از قبیل اصلاح قانون اساسی یا حذف و محدود سازی نهادهای و ساختارهای غیردموکراتیک و انحصار گرا باشد؛ اما در مقطع و شرایطی دیگر، این گام برداشتن در سطحی “بهبود خواهانه” در حد عادی سازی (نرمالیزاسیون) و حتی با رویکردی محافظه کارانه تر، حفظ وضع موجود بوروکراسی یا دیپلماسی یا آزادی های محدود سیاسی و اجتماعی در برابر نیروها و جریان های رادیکال، تمامیت خواه و انحصار گرا باشد. بدیهی است در هریک از این شرایط متفاوت، طیف های متفاوتی از اصلاح طلبان (رفتار گرا، نهاد گرا و ساختار گرا)، میانه روها (تکنوکرات ها، دیپلمات ها و بوروکرات ها) و حتی زمانی محافظه کاران خردورز، همزونی گفتگویی پیدا خواهند کرد و از این رو، در کنار تضاد اصلی (در برابر انحصار گرایی و اقتدار گرایی)، تضادها و تعارض های فرعی و درون جبهه ای/درون گفتگویی بین دایره بزرگ نیروهای اصلاح طلب وجود خواهد داشت؛ چنان که در مقاطع مختلف ۲۵ سال گذشته، این شکاف ها و تعارض ها به اشکال مختلف ظهور و بروز پیدا کرده است.

شعار “فردای بهتر برای ایران اسلامی” که از سوی سید محمد خاتمی و اصلاح طلبان دوم خرداد سر داده شد؛ البته، بی ریشه و بی پیشینه نبود. این شعار (و از نگاه نویسنده: “راهبرد”)، متکی و مبتنی بر سابقه تاریخی بود که اگر بخواهیم دایره بحث را به پس از انقلاب محدود کنیم؛ در گذار بزرگانی چون مهدی بازگان ریشه داشت. اصلاح طلبانی چون بازگان در عصر انقلاب، از سیاست “گام به گام” گفتند و البته، ژان کندری آنان زیر بولدوزر انقلابی گری ماند. باین حال، توفیق سیاسی و مانایی تاریخی آنان بیشتر بود از کسانی که خواستند با سلاح به نبرد تندباد روند و حتی از آنانی که با رویکردی جامعه محور کوشیدند با شکل دادن شوراهای، سندیکاها، اعتراضات و اعتصابات با حاکمیت یکدست جریان خط امام مواجهه کنند. به عبارتی، “اپوزیسیون اصلاح طلب” گرچه جذابیت مقطعی و نیز سازمان گسترده “اپوزیسیون مسلح” و حتی “اپوزیسیون جامعه محور” را نداشت؛ اما از پس چهار دهه، بسیار بیش از آنان واجد اعتبار، منزلت و نیز نفوذ سیاسی و اجتماعی است. البته، آن نیروها نیز در آن زمان شعارهای دموکراتیک می دادند و مطالبات نسبتاً مشابهی را مطرح می کردند؛ اما آنچه مینا و معیار تفاوت و تمایز آن نیروها با چهره های ماندگاری چون بازگان شد، “تفاوت در استراتژی” بود. تفاوت این بود که یکی به اصلاح طلبی (به مثابه راهبرد سیاسی) گرایش داشت؛ اما آن دو نیروی دیگر راهبرد “تداوم انقلاب” یا “تدارک انقلاب” را در پیش گرفتند (گرچه یکی وارد فاز مسلحانه شد و دیگری نه). از نگاهی تاریخی، این انقلابیون علی رغم همه شعارهای دموکراسی خواهانه و آزادی خواهانه ای که می دادند؛ در عمل، جاده صاف کن اقتدار گرایی دهه اول انقلاب شدند که البته، نسبت به اقتدار گرایی موجود، نیرویی اصیل و مبتنی بر نوعی آرمان گرایی بود و واقعاً، پشتوانه توده ای اکثریتی داشت.





و سید محمد خاتمی توانستند از ظرفیت‌های باقیمانده جامعه سود جویند و فرصت تداوم روند سیاسی را فراهم آورند. جامعه نیز در زمستان ۱۳۹۴ همچنان تشنگی بهار ۱۳۹۲ را داشت و با این کشش سیاسی همراه شد. روندی که در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۳۹۶ هم تداوم یافت و به‌درستی، با شعارهایی چون “امتداد اعتدال” یا “امتداد اصلاحات” تئوریزه شد. رخداد‌های پس از انتخابات ۱۳۹۶ (که با فشار هم‌زمان راست رادیکال در ایران و آمریکا بر میانه‌روها و حامیان برجام همراه بود)، بستر ناامیدی دوباره جامعه حامی “اصلاحات گام‌به‌گام” از مشارکت سیاسی و قهر آشکار آن با صندوق رأی را فراهم آورد. بخش گسترده‌ای از نیروهای سیاسی هم به بهانه رد صلاحیت‌ها با این قهر و گسست اجتماعی، همراه شدند و راهبرد ۱۳۹۶-۱۳۹۲ را ترک گفتند.

۳- اصلاحات گام‌به‌گام و ساختار انتخاباتی: استصوابی که بلاموضوع می‌شود

از منظر مواجهه با ساختار انتخاباتی نیز که مبتنی و متکی بر نظارت استصوابی و رد صلاحیت نیروهای مخالف است، تجربه ۱۳۹۶-۱۳۹۲ حرکتی راهبردی در جهت “بلاموضوع کردن نظارت استصوابی” محسوب می‌شود. نیروهای سیاسی حامی تغییر (و از جمله اصلاح‌طلبان) همواره مدعی‌اند که جریان حاکم (یا گرایش ضد دموکراسی و توسعه)، یک نیرو و یک گفتمان اقلیت در جامعه ایران است (که هست؛ بنابراین، برخلاف رویکردی که اکثریت اصلاح‌طلبان به تبعیت از “جامعه کوتاه‌مدت” آن را در پیش گرفته‌اند، حرکت راهبردی آن است که استراتژی و تجربه ۱۳۹۶-۱۳۹۲ را دائمی کرد. بدین صورت که هرچه از نامزدهای مورد حمایت اصلاح‌طلبان رد کردند، باز هم نیروهایی یافت و هر راهی بستند، باید راهی ساخت و خواست اکثریت جامعه را به ساخت قدرت تحمیل کرد. بر مبنای این تجربه تاریخی، عملکرد ساختار انتخاباتی هم نباید یک پارامتر مؤثر بر استراتژی اصلاحی باشد. از این منظر، راهبرد “مشارکت مشروط” یک راهبرد ناکارآمد و از پیش شکست‌خورده است که نه کمکی به پیشبرد “اصلاحات گام‌به‌گام” می‌کند و نه ظرفیت و امکان بسیج گری در رویکردهای شبه انقلابی و مشروعیت‌زدایی “رأی سفید” یا “تحریم” را با خود دارد. البته، ممکن است گفته شود حاصل روند استمرار گرایانه، حضور نیروهای ضعیف، کم‌کیفیت، کمتر تشکیلاتی و... در نهادهای انتخابی (خصوصاً مجلس) خواهد بود که نمی‌تواند بار مطالبات و شعارهای اصلاح‌طلبانه را به مقصد برساند و طبعاً، جامعه را ناامیدتر خواهد کرد. البته، این سخن درستی است؛ اما برای طراحی استراتژی کارآمد نیست. درواقع، اگر راهبرد یک نیروی سیاسی در قبال انتخابات “مشارکت مشروط” باشد، در هر دوره‌ای می‌تواند هم مصادیق و بهانه‌هایی برای شرکت کردن بیابد و هم برای شرکت نکردن!

به‌هرحال باید در طراحی راهبرد سیاسی این پارامتر را واقع‌گرایانه پذیرفت که ما با یک جامعه کوتاه‌مدت مواجه هستیم و هیچ تضمینی نیست که این جامعه بر سر رأی یا تصمیمی که امروز گرفته، شش ماه دیگر هم بماند. البته، برآمدن حسن روحانی در سال ۱۳۹۲، نشانه‌هایی از تثبیت شدن اصلاح‌طلبی و استمرار طلبی در جامعه ایران را با خود داشت. آری، “اصلاح‌طلبی” از منظری تاریخی و با رویکرد رفع یکی از مهم‌ترین ریشه‌های شکاف ساختاری دولت/ملت در ایران، مترادف با “استمرار طلبی” است. این، ایستادن در راه و استمرار دادن به اصلاحات گام‌به‌گام است که زمینه پیشبرد کلان پروژه‌ای چون دموکراتیزاسیون را فراهم می‌آورد. نفس گسست در مسیر اصلاحات، به معنای شکست آن است. گسست در مسیر و روند حرکت اصلاح‌طلبانه، صرفاً شکست یک جریان یا نیروی سیاسی به نام “اصلاح‌طلبان” (با هر یک از مصادیق آن) نیست. گسست در روند تثبیت و پیشروی حاملان اصلاحات، بستر ساز عقب‌نشینی و واپس‌گرایی کلی جامعه از بسیاری دستاوردهای خود در روند توسعه و دموکراسی‌خواه و حتی تغییر مسیر تاریخی آن است. کافی است به اوایل دهه ۱۳۸۰ بازگردیم و ببینیم رویکرد کوتاه‌مدت جامعه در کنار ایرادات تاکتیکی نیروهای سیاسی اصلاح‌طلب، چگونه مسیر جامعه ایران را از توسعه به انحراف کشاند و با فراز و نشیب‌هایی، به مسیر فروپاشی اجتماعی - اقتصادی کنونی انداخت. جدایی جامعه از اصلاحات (به هر عنوان و بهانه‌ای که صورت گرفت)، بهایی سنگین را متوجه کشور و ملت کرد و ایران را از جامعه‌ای که توسعه اقتصادی آن تثبیت شده بود و در جهت توسعه سیاسی و دموکراتیزاسیون گام برمی‌داشت، به جامعه‌ای فروکاست که امروز، برای حفظ جان خود (چه از منظر اقتصاد و چه از منظر امنیت)، درگیر تهدید و در حال تقلاست.

اهمیت پیروزی حسن روحانی در سال ۱۳۹۲، از منظر این کلان روایت، یک حرکت ملی استمرار طلبانه در جهت بازگشت به مسیر توسعه‌گرایی و دموکراسی‌خواهی پس از گسستی هشت‌ساله بود که البته، بنا بر شرایط بحرانی کشور، اولویت آن حل مسائل خارجی بود؛ آنچه که سعید حجاریان، به‌درستی عنوان “عادی‌سازی (نرمالیزاسیون)” بر آن نهاد؛ اما این رأی جامعه ایران در سال ۱۳۹۲، نشانه گرایشی استمرار طلبانه در جامعه ایران نیز بود؛ چراکه برخلاف دوره‌های تاریخی قبل، فاصله زمانی میان این دو دوره امیدواری و گرایش به اصلاح‌طلبی اندک بود. این مسئله تا آنجا اهمیت داشت که دکتر کاتوزیان، خود در گفت‌وگویی که با کریم ارغنده‌پور داشت و به شکل کتابچه‌ای منتشر شد، گفت نشانه‌هایی از بلندمدت شدن جامعه ایران را در این تجربه سیاسی - اجتماعی مشاهده کرده است. از این منظر، انتخابات سال ۱۳۹۴ (مجلس دهم و خبرگان پنجم) نقطه بلوغ و اوج این گرایش به سمت بلندمدت شدن و استمرار طلبی بود؛ چراکه در اوج رد صلاحیت‌های حاکمیتی، نیروهای سیاسی به رهبری آقایان هاشمی‌رفسنجانی



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۱

۶ تیر ۱۴۰۱

دو پارامتری هستند که در زمان تدوین استراتژی انتخاباتی، آن‌ها را باید تا اطلاع ثانوی به عنوان واقعیت‌های گریزناپذیر جامعه و حکومت ایران مدنظر قرارداد و کوشید استراتژی را به شکلی پیش برد که این پارامترهای همیشگی، منجر به تعارض‌های راهبردی و گسست از اصلاح‌طلبی (به مثابه راهبرد "حرکت گام به گام") نشود. البته، در صورت ایستادگی جامعه در مسیر اصلاحات و خسته نشدن و حاشیه نرفتن حامیان اصلاحات (که به خصوص در مقطع ۱۳۸۴-۱۳۸۰ رخ داد)، امکان آن بود که با گذشت ربع قرن از اصلاحات دوم خرداد، نظارت استصوابی بلاموضوع شود. چنان که اولین رد صلاحیت‌های گسترده در انتخابات مجلس هفتم رخ داد؛ زمانی که یک سال قبل و در انتخابات کاملاً آزاد شورای شهر دوم، مردم پای صندوق‌های رأی نیامدند و از اصلاحات گسستند و در نتیجه، اعتماد به نفس اقتدارگرایان برای حذف گسترده اصلاح‌طلبان و پیشبرد سیاست "راه حل نهایی" افزایش یافت. به عبارت دیگر، پیشبرد "اصلاحات گام به گام" با وجود این دو پارامتر در جامعه و حکومت، دچار چالش‌های جدی می‌شود؛ اما راه حل مقابله با این چالش‌ها، اتفاقاً در استمرار طلبی و پیوست در روند حرکت اصلاحی است؛ نه انزواگزینی، حاشیه رفتن و گسست. گرچه در زمان رخداد، رویکرد اعتراضی و قهر و گسست، رادیکال و آرمان‌گرایانه می‌نماید؛ اما در نگاهی تاریخی و کلان، این رویکرد استمرار طلبانه است که می‌تواند ساخت سیاسی را بفرساید و ظرفیت‌های بیشتری برای پیشبرد توسعه و دموکراسی فراهم آورد. در این نگاه، "استمرار طلبی" که نیروهای برانداز و ضد اصلاحات در سالیان اخیر آن را همچون برچسب و ناسازی علیه اصلاح‌طلبان به کار برده‌اند؛ نه یک ویژگی منفی که اتفاقاً ویژگی ذاتی و ضروری حرکت اصلاحی است. رویکرد استمرار طلبانه و "گام به گام" به اصلاحات، می‌تواند فرازونشیب‌های پرهزینه ناشی از گسست‌ها و شکست‌ها را کاهش دهد و با پیشبرد آرام اما مستمر روند توسعه ایران با محوریت نخبگان و پشتوانه طبقه متوسط، امید اجتماعی به مشارکت سیاسی را نیز افزایش دهد و تاحدی، ویژگی کوتاه‌مدت بودن نگاه جامعه به حوزه سیاست (دست‌کم در میان طبقات متوسط و مدرن) را تضعیف کند. خلاصه سخن اینکه: عبور از "جامعه کوتاه‌مدت" و "حکومت استصوابی"، دو هدف راهبردی و تاریخی اصلاحات است؛ نه پارامترهای تعیین‌کننده راهبرد انتخابات. اصلاحات باید گام به گام پیش رود تا این پارامترها به تدریج، تضعیف بی‌اثر شوند. انتخابات ۱۴۰۰ می‌توانست فرصت دیگری برای استمرار حرکت گام به گام باشد که نشد. حال، چاره‌ای نیست جز آنکه امید داشت ۱۴۰۰ آخرین فرصت نبوده باشد...

چنان که در انتخاباتی چون مجلس ششم هم چهره‌هایی چون عباس عیدی، حمیدرضا جلالی‌پور، صادق زیباکلام و... رد صلاحیت شدند؛ اما با این وجود، از میان نامزدهای باقیمانده قوی‌ترین مجلس پس از انقلاب شکل گرفت. یا مهم‌تر از آن در دوم خرداد ۱۳۷۶ که سیاستمداران ریشه‌دار اصلاح‌طلب همچون ابراهیم یزدی، حبیب‌الله پیمان و عزت‌الله سبحانی رد صلاحیت شدند که دست‌کم در آن مقطع، از نظر وزن و سابقه سیاسی از سید محمد خاتمی قوی‌تر بودند و ایستادگی بیشتری بر مواضع خود داشتند. در مقابل، در مقطعی چون انتخابات مجلس هفتم که در آن اکثریت نمایندگان مجلس ششم و بسیاری چهره‌های سیاسی رد صلاحیت شدند و حتی کار به تحصن و استعفای نمایندگان رسید، بخشی از اصلاح‌طلبان با محوریت مهدی کروبی، لیست انتخاباتی ارائه کردند و علی‌رغم اعتراضاتی که به روند رد صلاحیت‌ها داشتند، عملاً شرایط حداقلی برای مشارکت را فراهم دیدند. بنابراین، راهبرد "مشارکت مشروط در انتخابات" عملاً بستر ساز شکاف و اختلاف درون اصلاح‌طلبان است؛ چرا که در هر فرایند انتخاباتی، بخشی از نیروها شرایط مشارکت را فراهم می‌بینند و بخش دیگر فراهم نمی‌بینند و چنان که در انتخابات ۱۴۰۰ (و در سطح محدودتری انتخابات مجلس یازدهم) هم شاهد بودیم، هیچ‌یک از طرفین، توان اقناع و همراه کردن طرف دیگر را نخواهد داشت و حتی برخی اتهام‌زنی‌های سیاسی - امنیتی از سوی طرفین به یکدیگر را شاهد بودیم. راهبرد "مشارکت مشروط" برخلاف "استمرار مشارکت"، ایراد دیگری هم دارد و آن، اینکه تحت عنوان ضرورت "تأیید نامزدهای شناخته شده" (که البته حق نامزدها و نیروی سیاسی اصلاح‌طلب است)، سیاست موفق "بلاموضوع کردن نظارت استصوابی" را که در سال‌های ۱۳۹۶-۱۳۹۲ محقق شد، کنار می‌گذارد و با خودداری از شناسایی و معرفی چهره‌های ناشناخته اما پایبند و همراه با مطالبات اصلاحی، ظرفیت اجتماعی طبقه متوسط و نخبگان را نادیده می‌انگارد و در چرخه محدود و محدود نیروهای سیاسی اصلاح‌طلب باقی می‌ماند؛ نیروهایی که امروز، اغلب آن‌ها دهه ششم و هفتم زندگی خود را می‌گذرانند. این در حالی است که مثلاً تجربه انتخابات مجلس دهم در سال ۱۳۹۴ باعث شد تا اصلاح‌طلبان نیروهای جدیدی را شناسایی کنند که بخش قابل توجهی از آنان هم نیروهایی توانمند بودند که به نسبت ظرفیت و سابقه سیاسی خود، عملکرد قابل قبولی هم داشتند.

۴- اصلاحات گام به گام و پایبندی استراتژیک:

استمرار طلبی بخشی از راه حل است

بنا بر آنچه گفته شد، "جامعه کوتاه‌مدت" و "ساختار انتخاباتی غیردموکراتیک"





هفته‌نامه غیربرخط
اراده ملت

شماره ۴۱۵
۶ تیر ۱۴۰۱

استمرار با تحزب محوری

زهره رحیمی

سخن نخست اینکه تعارض و اختلاف بین اصلاح‌طلبان که برخی را حتی وادار به ترک تشکیلات شورایی آن‌ها و یا پرهیز از پیوستن به تشکیلات ایشان نموده است، صرفاً محدود به پدیده و فرایند انتخابات نیست و البته رفتارها و تصمیمات انتخاباتی هم نمی‌تواند به تمامی، بیان‌گر تفاوت‌ها و مرزهای رویکردی، ایدئولوژیک و ماهیتی بین اصلاح‌طلبان باشد. محورهای همچون تحزب‌محوری، شیخوخیت‌گرایی، تمرکزگرایی، شفافیت سیاسی و ... از جمله مهماتی هستند که فراتر از چهارچوب زمانی و فرایندی انتخابات، پیوندهای مادام‌العمر شورایی و ائتلاف‌های مداوم بین تشکلات و گروه‌های فعال در این جبهه را به جد به چالش می‌کشند. یکی از تفاوت‌های مشهود در جبهه اصلاح‌طلبان، توافق بر سر یک تعریف واحد از مفهوم اصلاح‌طلبی است. چنانچه بنا باشد بر تعریف "استراتژی واحد انتخاباتی در سایه تفاوت‌های ایدئولوژیک" به توافق برسیم. پس بهانه‌ی ایجاد تشکلات‌های دائمی و پایداری که سایه حضورش را به اشکال مختلف بر استقلال و حتی روند تعالی تشکیلاتی احزاب می‌اندازد، چیست؟ و این استراتژی واحد انتخاباتی در سایه تفرق و گاه حتی تضاد ایدئولوژیک، چطور در تأمین اهداف سیاسی عموم ذی‌نفعان کامیاب خواهد بود؟

یکی دیگر از اختلاف‌نظرهای درون این جبهه، انتخاب شعارهای تأثیرگذار و صف‌شکنانه ستادهای انتخاباتی است که انگار دقت نظر لازم را در انتخاب آن با لحاظ سازگاری بین گفتار و رفتار نداریم. به‌ظاهر آنجا که اردو کشی و قدرت‌نمایی، نقشی حیاتی در حرکت سیاسی ما پیدا می‌کند، حرف از تکرار جامعه ایران را سخاوتمندانه به میان می‌کشیم و جلوه‌هایی از ادعای "ایران، برای همه ایرانیان" را به رخ کشیده یا روی موج این شعار دل‌چسب و مترقی، سوار می‌شویم؛ اما در سایه افزایش فشارها و تنگناهای سیاسی، بازنگری و عقب‌نشینی را ترجیح داده و بر حفظ مرزهای خود با جریاناتی تأکید و اصرار می‌ورزیم که در سایه تحقق "ایران برای همه ایرانیان"، امکان و فرصت ظهور و بروز می‌یابند و شهروندانش مشروط به این شرایط، زیستی آزاد، برابانه و بالنده را تجربه خواهند کرد!

اینکه هدف و راهبرد ما، اصلاح جامعه کوتاه‌مدت بامشی استمرارطلبی در سایه استصواب است، می‌تواند از سوی تمام ذی‌نفعان این جریان مورد اتفاق باشد اما خوانش ما از استمرار، اینجا تعیین‌کننده است. حزبی چون حزب اراده ملت ایران، این استمرار را حضور پایدار احزابی واقعی با مرامنامه مشخص و سخنگوی

شفاف بخشی از جامعه تعریف می‌کند. تا در سایه‌ی این ماندگاری و تعامل و برهم‌کنش احزاب پایدار، جمعیت‌های بی‌نظم و نظام در اندیشه که از آشفتگی در گفتمان رنج می‌برند، در جامعه به آرامی مسیر اصلاح بیمایند؛ و این همان هدف توسعه سیاسی است که برخی از احزاب درون این جریان اما منتقد به آن، بر آن اصرار می‌ورزند. از سویی چنانچه مدعی هستیم؛ تداوم مشارکت انتخاباتی، استصواب را بلا‌موضوع می‌کند. منتقدین این شکل از مشارکت نیز مدعی هستند که در سایه استصوابی غیرمنعطف، به‌طور کل مفهوم مشارکت، تهی از معنا خواهد شد. مشارکت با تفسیری عمیق و ارزشمند که با بریدن پروبال آن، مفهومی غریب، ناکارآمد و غیراصیل از آن بر جا خواهد ماند.

یکی از پرسش‌های مهمی که موافقین استمرارطلبی یا تداوم مشارکت انتخاباتی باید پاسخ بدهند این است که حقیقتاً پیشرو‌هایی که از آن سخن به میان می‌آوریم؛ یعنی بهتر کردن شرایط و پس‌راندن مخالفان در دوره‌های مورد ادعا تا چه میزان بنیادین، ماندگار، سازنده و متحول‌کننده بودند؟ شاید لازم باشد تا ما بر سر شاخص‌هایی دست به توافق بزنیم و پیشروی اصلاح‌طلبان را با میزان تحقق و حفظ آن دستاوردهای معیار، به سنجش بنشینیم. آیا در این سال‌ها ما در حوزه ساختاری و یا حقوقی، از اصلاحاتی دموکراتیک و آزادخواهانه، هرچند کوچک و محدود برخوردار شده‌ایم؟! و یا در مسیر تحقق عدالت و رفع تبعیض، گامی بنیادی هرچند کوتاه برداشته‌ایم؟! که ضمانت تداوم و اجرا داشته باشند؟ یا خودتعریفی‌های ما از پیشروی، تماماً به دستاوردهای روبنایی از دموکراسی و عدالت و آزادی و جلوه‌های خودفریانه از این ارزش‌ها محدود می‌شود که با اندک تغییر و تحولی در نیروها و دولت‌ها و شرایط، همگی تضعیف، نابود و یا حتی در جهتی معکوس به جریان درمی‌آیند؟ لذا ضرورت دارد که ما با تعیین مشخص دستاوردهای معیار که پیشروی ما را در این دوره‌های متمادی به اثبات می‌رساند، از خودفریبی و هم‌زمان از فریب‌خوردن مصون نگه‌داریم.

دست‌آخر اینکه انتخابات به‌عنوان یک کارزار پیچیده‌ی رقابتی که نتایجش، مناسبات قدرت را تعیین و تفسیر می‌کند، الزاماتی دارد که هوشمندانه و مدبرانه نیست اگر غیر محتاط و مصلحت‌اندیش، بر آن چشم ببوشیم. زمینی که در آن بازی رقابتی می‌کنیم و قواعدی که طبق آن این بازی را پیش می‌بریم، اگر تماماً با موازین و منویات یک‌طرف، تعیین و نگارش شده باشد. نه‌تنها احتمال پیروزی ما را بشدت کاهش خواهد داد که راه هرگونه اعتراض و نقد بر تخلفات و بداخلاقی‌های صورت گرفته را نیز بر ما خواهد بست. وقتی تن به مناسبات یک رقابت انتخاباتی انحصارطلبانه و تمامیت‌خواه می‌دهیم، در پی آن هرگونه اعتراضی به چرایی و چگونگی، بلا موضوع و بی‌پایه خوانده می‌شود و پاسخ جماعت تمامیت‌خواه این خواهد بود که: ورود به این رقابت با این مناسبات را خود پذیرفته‌اید!



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۱

۶ تیر ۱۴۰۱

اندر مزایای ابهام

افشین فرهانی

جناب روح در یادداشت خویش به درستی اشاره کرده اند که استمرار طلبی می تواند بخشی از استراتژی اصلاح طلبان باشد و مزایای خاص خودش را دارد. گرچه ممکن است در درستی این گزاره در همه شرایط بحث باشد ولی فعلاً از این بخش می گذرم و از زاویه دیگری به این موضوع نگاه می کنم.

بحث ما در انتخابات اخیر ریاست جمهوری این بود که نامزدهای جریان اصلاح طلبی لازم است مشخص و احصا شده باشند. حال با هر مکانیسمی که متولیان جریان و شوراهای تصمیم گیر آن در نظر دارند و دیدیم که جریان اصلاح طلبی در انتخابات موصوف ۹ نفر را به عنوان نامزدهای احصا شده خود معرفی کرد. در مرحله بعد لازم است که سایر جریان ها یا احزاب دیگر نیز نامزدهای خود را معرفی کنند؛ یعنی به طور رسمی و مشخص جریان های معتدل تر که می توانند نامزد خود را از سد شورای نگهبان بگذرانند، نامزد رسمی و پاسخگوی خود را معرفی کنند. آنگاه متولیان جریان اصلاح طلبی در راستای استمرار طلبی و برای جلوگیری از حذف شدن از چرخه قدرت با آن نامزد رسمی جریان ها یا احزاب دیگر ائتلاف نمایند. این گونه هم مرزهای جریان اصلاح طلبی و اعضا آن دچار خدشه قرار نمی گیرد و سرمایه اجتماعی آن هرز نمی رود. هم متهم به قدرت طلبی صرف و عدول از اصول خود نمی شود؛ و از طرفی هم به عنوان یک شریک ائتلافی سهم و منافع آن ها معلوم می شود و در همان حوزه هم پاسخگو می گردد و مسئولیت کلی بر گردن ایشان نمی افتد.

ممکن است جریان اصلاح طلبی موضوع پیش گفته را دقیق تئوریزه نکرده باشد ولی تجربه ریاست جمهوری آقای حسن روحانی به طور عملی باعث شد که قاطبه جریان اصلاح طلبی متوجه این موضوع شود و این گونه تصمیم بگیرد. در همان انتخابات سال ۱۳۹۲ نیز بهتر بود که وقتی ارزیابی ها نشان داد که نامزد نسبتاً اختصاصی اصلاح طلبان (آقای عارف) شانس کمتری دارند، اصلاح طلبان وارد ائتلاف با جریان اعتدال گرا شود و مسئولیت و پاسخ گوئی مشخصی را بپذیرا شود. نه اینکه با یک پیام از طرف

آقای خاتمی، نامزد اصلاح طلبان با کدورت از صحنه خارج شود و تمام مسئولیت دولت روحانی نیز بر گردن اصلاح طلبان بیافتد. طبیعی است که تصمیم گیری بر این اساس نیاز به زیرساخت ها و مهیا سازی شرایط دارد که البته در تمام ادوار اخیر فراهم بوده است؛ اما گروه هایی که نفع خود را در فضای ابهام آمیز، ائتلاف های مبهم و نانوشته، مشخص نشدن دقیق مسئولیت ها و سهم ها می بینند، مانع از حرکت در این مسیر شدند. به طور مشخص بخشی از مدیران بروکرات اصلاح طلب که می دانند اگر فضا ابهام آمیز باشد آن ها کماکان در بدنه مدیریتی دولت حضور خواهند داشت از مانع گذاران در برابر این سبک تصمیم گیری هستند.

در این مورد می توان مفصل و بر اساس مصادیق هم صحبت کرد ولی در این مجال از باب فهم راحت تر موضوع به یک مثال بسنده می گردد.

فرض کنیم در انتخابات سال ۱۳۹۲ طبق گفته بنده عمل می شد و جریان اصلاح طلبی نه با یک تکرار بلکه در قالب یک تفاهم نامه به ائتلافی با جریان اعتدال گرا با نامزدی آقای روحانی وارد می شد. آنگاه جریان اصلاح طلب می توانست درخواست های خود را به طور مشخص از طرف مقابل درخواست نماید که مثلاً آقای شکوری راد یا صفائی فراهانی را در قامت وزارت با برنامه مشخصی قرار دهند. طبعاً گروه مقابل با چالش روبرو می گردید که اگر حمایت جریان اصلاح طلبی را می خواهد پس در قبال آن باید بخش مشخصی از قدرت را با ایشان به اشتراک بگذارد و گرنه تکلیف جنابان جهانگیری، خباز، صفدر حسینی و نجفی که مشخص است. ایشان چه در ائتلاف رسمی و مکتوب و چه در یک همراهی غیررسمی بر مصدر مدیریت قرار خواهند گرفت. لذا بخش هایی از جریان اصلاح طلبی که از تر دامنی دوری جسته اند از این فضای مبهم سود می برند و خیلی تمایلی به ائتلاف های مشخص و دقیق و شفاف ندارند.

شاید لازم به اشاره نباشد که در تمام دموکراسی های پیشرفته و نیمه پیشرفته به این شیوه عمل می گردد و جریان ها و احزاب در ابتدا بر اصول خود پافشاری می کنند و در مرحله بعد که شرایط را سخت یا امکان پیروزی را کم رنگ می بینند در قالب ائتلاف وارد حمایت از جریانات نزدیک می گردند.



گفتگو

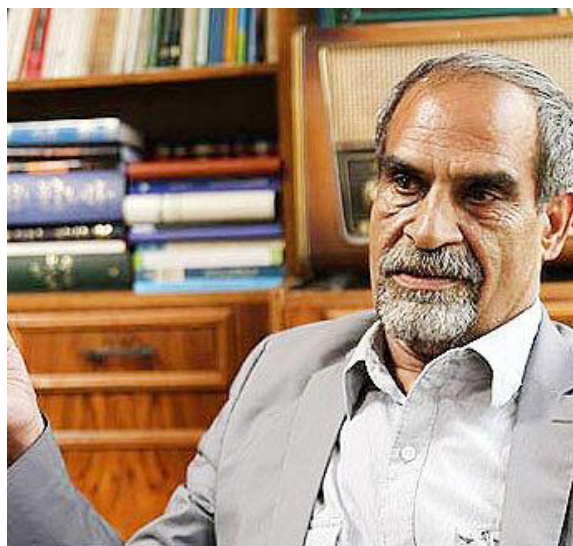


نعمت احمدی، حقوقدان در گفت و گو با اراده ملت گفت:

استقلالی در صنف و کالت باقی نمانده است

کانون و کلا هم سطح دادستان کل کشور است و برابر قانونی که بعد از انقلاب در مجمع تشخیص مصلحت نظام گذشت رئیس کانون و کلا از نظر شانیت و جایگاه و مقام برابر با قضات دادگستری است؛ اما بعد از انقلاب این نهاد مورد هجمه قرار گرفت به گونه ای که عملاً در سال ۷۶ با گذراندن قانون کیفیت اخذ پروانه و کالت استقلال این مجموعه از دست رفت و اعضای هیات رئیسه این کانون باید توسط دادگاه عالی قضات تأیید صلاحیت شود که عمده افراد مستقل در این روند تأیید نمی شوند. از قانون برنامه توسعه سوم نیز مرکز مشاوران را ایجاد کردند. علی رغم اینکه ماده یک لایحه قانون و کلا می گوید: "کانون و کلا یک نهاد مستقل است." نهاد دیگری به اسم مرکز مشاوران قوه قضاییه درست کردند و قوه قضاییه شروع به تربیت عده ای وکیل کرد و به آن ها پروانه دادند و اخیراً با قانون تسهیل کسب و کار، و کالت و نقش و جایگاه نهاد صنفی کانون و کلا را بسیار پایین آورده اند تا جاییکه عملاً می توان گفت استقلالی در صنف و کالت باقی نمانده است.

اراده ملت، فاتره صدر: گروه های صنفی به عنوان اجتماعی با اهداف مشترک، نقش مهمی در شکل دهی به حیات جامعه دارند. با توجه به تأثیر پررنگ این مجموعه ها، تقویت یا کاهش نقش و اختیاراتشان، همواره مدنظر قدرت سیاسی بود. کانون و کلا یکی از قدیمی ترین مجموعه های صنفی ایران است که به عنوان نهادی مدنی و واسطه ای میان مردم و حاکمیت تعریف می شود. این مجموعه نیز در دهه های اخیر با هجمه هایی از سوی قدرت سیاسی روبرو بود و استقلال و کارآمدی اش زیر سؤال رفته است. اراده ملت در این رابطه با نعمت احمدی، حقوقدان؛ گفت و گویی دارد که در ادامه می خوانید:



چرا حاکمیت از استقلال اعضای این صنف و توانمندی کانون و کلا جلوگیری می کند؟

نگاه حاکمیت به نهاد صنفی و کلا، نگاهی ارباب رعیتی است. این نگاه به ویژه از زمان ریاست آقای لاریجانی بر قوه قضا به شدت تقویت شد و عملاً حاکمیت هر روز آیین نامه و طرح و برنامه ای برای و کلا دارد تا جاییکه نمی توان ادعا کرد کانون و کلا مستقل عمل می کند. اخیراً رئیس فعلی کانون و کلا آقای دکتر جلیل مالکی که یکی از حقوقدانان خوش نام و باسواد است و بیش از بیست سال رئیس دانشکده حقوق بود و در حال حاضر در دوره ای دوساله رئیس کانون و کلا است، برای شرکت در انتخابات جدید مجبور به استعفا شد و ایشان را از شرکت در انتخابات دوره بعد منع کردند. از این رو می توانم بگویم نهاد صنفی و کلا دوره ای خاکستری را می گذراند و عملاً هر صبح فکر می کنم این آخرین روز کاری این صنف در معنای استقلال اصناف است. ضدیت با این صنف در دهه های اخیر به وضوح دیده می شد به ویژه قضات و گردانندگان قوه قضاییه این نگاه را در دستورالعمل ها و بخشنامه ها و طرح هایی که به اجرا در می آورند به خوبی نمایش داده اند و جالب اینجا است که هر قاضی قوه قضاییه که بازنشسته می شود به سمت و کالت می آید ولی وقتی کارمند قوه قضاییه هستند دشمنی و عنادی ویژه با و کلا دارند. این حالت وجود دارد که زحمات وکیل در گردآوری اسناد و مدارک و اکتشاف حقیقت و اینکه و کلا مانع از رفتارهای غیر حقوقی می شوند، خوشایند نیست. قضات ترجیح می دهند با وکلایی که حقیقت را آشکار می کنند و می توانند کم کاری ها را پیدا کنند سروکاری نداشته باشند. و کالت تکمیل کننده قضاوت است اما در حال حاضر اطلاعات حقوقی و کلا در تقابل با کم کاری ها و نواقص موجود در قوه قضاییه قرار گرفته است. از این رو توانمندی این صنف و استقلال و کلا یکی از عمده علت هایی است که این مجموعه در دهه های اخیر

با توجه به عضویت شما در کانون و کلا، ابتدا به این مجموعه صنفی می پردازیم، کانون و کلا در چه زمانی و با چه اهدافی تأسیس شده است؟ من عضو قدیمی ترین جامعه مدنی ایران، یعنی کانون و کلا هستم. بعد از مشروطه پسر حسن مشیرالدوله پیرنیا، مرحوم داوود پیرنیا با کمک علی اکبر خان داور مرانامه و دستورالعملی نوشتند و تشکیلاتی به راه انداختند و جامعه و کالت را به راه انداختند. علی اکبر خان داور در زمان رضاشاه کانون و کلا را به شکلی رسمی ایجاد کرد. در آن زمان شرط داشتن حداقل لیسانس برای اعضا تعیین شده بود؛ و در زمان مرحوم مصدق لایحه استقلال کانون و کلا گذشت و این موسسه به عنوان نخستین موسسه تمدنی مدرن در ایران شناخته شد که پیرامون دفاع از افراد در دادگاه ها فعالیت کرد.

به عنوان یکی از اعضای فعال و پرکار کانون و کلا، مهم ترین مشکل این صنف را چه می بینید و چه راهکاری برای رفع مشکل پیشنهاد می دهید؟ تا زمان انقلاب جایگاه کانون و کلا تعریف شده بود و برابر قانون رئیس



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۱

۶ تیر ۱۴۰۱

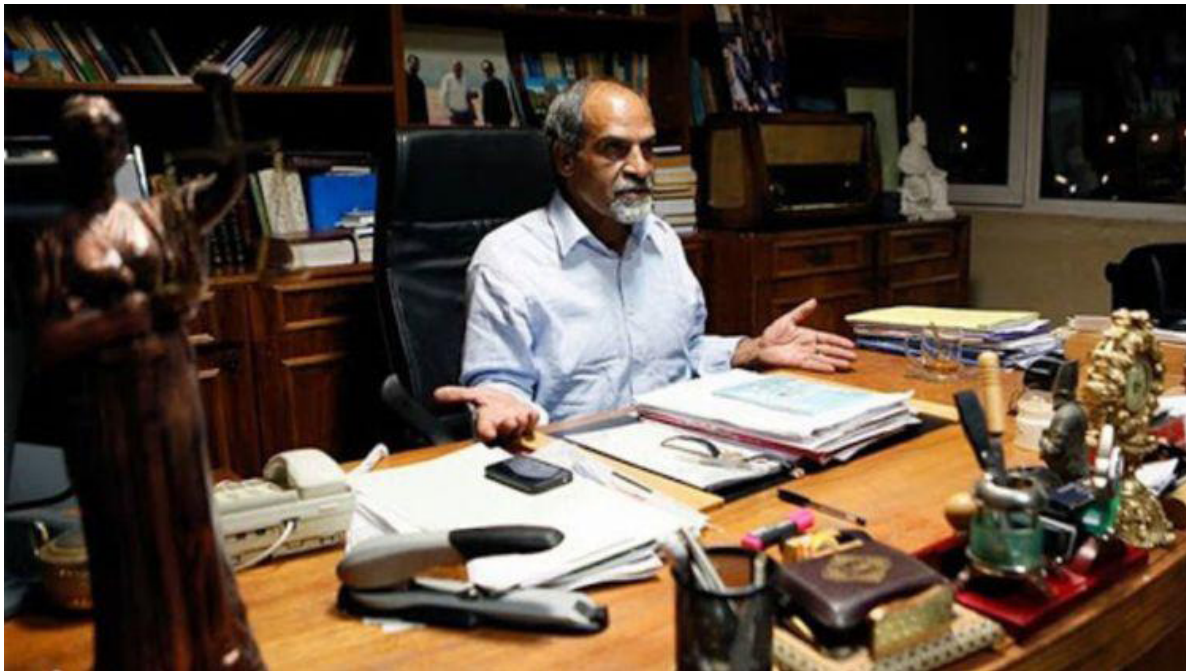
تحميل نشده است.

نهاد صنفی و کلا چگونه می تواند در مقابل تصمیمات حاکمیت، قدرت و اقتدار و استقلال خود را بازگرداند؟

باید از اجرای موارد و مقرراتی که ناقض استقلال کانون هستند جلوگیری شود. این صنف باید بر اجرای مصوبه مجمع عمومی پافشاری کند. اجرای آیین نامه های قوه قضاییه اگرچه کانون و کلا را از بن بست خارج می کند اما به معنای نقض استقلال این صنف است. قوه قضاییه بر اجرای بی چون و چرای آیین نامه هایش اصرار دارد و با نگاهی صفر و صدی استقلال صنف را هدف گرفته است، در این شرایط به باور من کانون و کلا هم باید بر مواضع مجمع عمومی ایستادگی کند. رمز توسعه احترام به نهادهای مدنی است. ایران به نهادهای مدنی مستقل نیاز دارد. کانون و کلا، مجموعه نظام مهندسی و نظام پزشکی و کجا و کجا باید مجموعه هایی مستقل باشند که دست حاکمیت از چپش ترکیب رئیس و هیات مدیره و مصوبات و مقرراتش کوتاه باشد. وظیفه حاکمیت نظارت است نه اینکه وارد این مجموعه ها بشود و دخالت مستقیم داشته باشد.

رابطه کانون و کلا با احزاب سیاسی چگونه است؟

روابط اعضا شخصی و به صورت فردی است. بسیاری از اعضای کانون به گروه ها یا جریانات سیاسی نزدیک هستند ولی در کلیت کانون و کلا سمت و سوی سیاسی ندارد. البته دلیل این مسئله بیشتر به جریانات سیاسی برمی گردد. در ایران حزب به معنای سیاسی و در تعریف بنیادی، وجود ندارد. حزب تشکیلاتی است که زیر ساخت و شاخه می خواهد و مرامنامه ای دارد و باید کادر سازی کند. در این مرحله حزب می تواند یک مجموعه صنفی را به عنوان زیر شاخه خود معرفی کند. ولی ما چنین حزبی نداریم که چنان مجموعه صنفی هم داشته باشیم! احزاب ما مسئولیت قبول نمی کنند. به واقع بعد از حزب توده باقی احزاب ایران بیشتر به کلوپ های خانوادگی و دوستانه می ماند و جمعی هستند و در ایام انتخابات فعال می شوند و برای نامزدی تبلیغ می کنند و بعد به راحتی پراکنده می شوند. مثل اصلاح طلبی که در مقابل پیروزی آقای روحانی که به واقع با بهره گرفتن از سرمایه اجتماعی اصلاحات صورت گرفته بود، در ادامه هیچ برنامه یا مطالبه و نظارتی بر ایشان و کارنامه اش نداشتند و هزینه آن را دادند.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۱۵
۶ تیر ۱۴۰۱

محمدصادق جوادی حصار، فعال اصلاح طلب در گفت و گو با اراده ملت عنوان کرد:

جمهوریت منشأ مردمی دارد و حکومت دینی منشأ آسمانی

و متخذ از رأی مردم است. ولی در نظام های دینی و ولایی یک پای اصلی تمام اتفاقات فرازمینی است و باید تأییدی آسمانی داشته باشد. حکومت های دینی مردم را عنصر تحقق منویات دین و حاکمان دینی می دانند. در صورتی که در حکومت های غیردینی یا حکومت های دموکراتیک و پارلمانی حاکمان مجری منویات مردم اند. در حقیقت تفاوت یک حکومت حزبی پارلمانی با یک حکومت غیر حزبی شبه پارلمانی مثل جمهوری اسلامی ایران در این است که در حکومت ولایی همه ی آنچه در اختیار است، ابزار تحقق اراده حاکمیت است از جمله احزاب، ولی در حکومت های پارلمانی همه چیز ابزار تحقق اراده مردم هستند، از جمله حکومت.

تا اینجا روند تولد و فعالیت احزاب در ایران چگونه بود؟

در ایران پس از انقلاب جریان هایی آمده و احزاب مختلفی را با خود آورده اند. ولی جریان اصلی و حزب واقعی آن است که حقیقتاً در بین مردم و دارای پشتوانه مردمی باشد.

امروز جز دو جریان اصلاح طلب و اصول گرا و جریان های حاشیه آن ها فعالیت خاصی نمی بینیم؛ و اتفاقاتی که در حوزه فعالیت های حزبی در کشور رخ داده آن قدر تأثیرگذار و قدرتمند نبوده که بتوانیم آن ها را جدی بگیریم؛ مثلاً نیروهای ملی و مذهبی زمانی فعال بودند ولی آن ها از مقام فعالیت سیاسی کنار گذاشته شدند. نیروهای اپوزیونی هم داخل کشور بودند که نقشه سازنده ای نداشتند. کدام گروه و جریانی را می توان در قد و قامت حزب و با سوابق درخشان معرفی کرد؟!

با توجه به حضور مداوم شما در جریان اصلاحات فعالیت های این حزب را در مسیر نهادینه ساختن حزب در کشور چگونه ارزیابی می کنید؟

در حوزه ی اصلاح طلبی گام هایی برای تعامل و نزدیکی بین دو جنبه ی مشترک در حاکمیت برداشته شد. در همان دوره تلاش هایی صورت گرفت که بین این دو جنبه، نزدیکی و ملایمت ایجاد شود، ما هم معتقد بودیم که قانون اساسی با مقداری تساهل و تسامح می تواند ظرفیت این را داشته باشد که با تکیه بر آموزه های دینی اصیل اسلامی که دین را برای انسان می داند نه انسان را برای دین، شرایطی را فراهم کند که حاکمیت به سمت این موضوع حرکت کند و حکومت برای مردم باشد نه مردم برای حکومت. تلاش هایی در این مسیر صورت گرفت و مقاومت هایی واقع شد و جدال همیشگی بین دو قدرت آسمانی و زمینی کار را به جایی رساند که آقای مصباح یزدی اعلام کردند: "اصلاً انسان چه جایگاهی دارد، در این که حکومت تعیین کند و حکومت امری الهی است و انسان ها فقط باید تابع باشند."

این دو رویکرد در برابر هم قرار گرفتند و ما تلاش کردیم که با تکیه بر آموزه های دینی و ظرفیت های قانون اساسی این دو حوزه را به هم نزدیک کنیم که متأسفانه تلاش چندان موفق نبود.

پیشنهاد شما برای رسیدن به نظام حزبی در ایران چیست؟ همان طور که گفتیم تا نگاه در میان حاکمان اصلاح نشود و

اراده ملت، فائزه صدر: وقتی صحبت از حزب به میان می آید، ذهن ها بی اختیار نیمه دوم دهه هفتاد و شروع به کار دولت اصلاحات و در ادامه پا گرفتن جریان اصلاح طلبی را به یاد می آورند. با قرار گرفتن سید محمد خاتمی خاتمی در راس قوه مجریه و اجرای رویکرد وی در توسعه سیاسی و فرهنگی، گفتمان اصلاحات در کشور میدان داری کرد. جبهه دوم خرداد شکل گرفته بود و نگرش جدیدی از تحزب بر فضای سیاسی کشور حاکم شد. امروز با گذشت ۲۵ سال از آن دوران و با توجه در فراز و فرود جریان اصلاحات همواره این پرسش اساسی مطرح است که آیا این گروه در عرصه های عملکردی خویش، کارآمدی لازم را داشت؟ و توانست همبستگی ملی و سایر جنبه های پدیده تحزب را در کشور محقق سازد یا نه؟ اگر اصلاح طلبان در اجرای امر تحزب موفق نبودند، علل و عوامل اساسی ناکارآمدی این جریان سیاسی چه بوده است؟ اراده ملت در این رابطه گفت و گویی با محمدصادق جوادی حصار، فعال اصلاح طلب انجام داده که در ادامه می خوانید:



رابطه احزاب و حکمرانی مطلوب چگونه است؟

حزب زاییده ی نظام های مردم سالار و مدرن است. در حکومت هایی که پارلمانی اند، پارلمان های نشأت گرفته از رأی واقعی مردم، دولت ها را تعیین می کنند و احزاب و مردم، داور کارآمدی یا عدم موفقیت دولت ها هستند. چنین حکومت هایی موفق ترین های یکی دو قرن اخیر در حوزه کشورداری و امور مربوط به آن بوده اند.

چرا حاکمیت در ایران از اعمال یک نظام حزبی اجتناب می کند؟

نظام جمهوری اسلامی اما ماهیتاً نظامی ولایی است. در نظام های ولایی حاکمان بر مردم حکومت می کند و بر تصمیمات آن ها مهر تأیید یا عدم پذیرش می زند. در نظام های دموکراتیک ولی این مردم اند که بر عملکرد حاکمیت مهر رد و تأیید می زنند.

تفاوت ماهوی نظام ولایی با نظام حزبی پارلمانی در این است که در نظام حزبی یا نظام های مردم سالار دموکراتیک، همه چیز زمینی



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۱

۶ تیر ۱۴۰۱

افق فعالیت‌های احزاب کشور را در شرایط فعلی چگونه می‌بینید؟
مادامی که عده‌ای در جمهوری اسلامی باشند که احزاب را در کنار قوای دیگر نظام بدانند، مثل نیروهای مسلح مثل نیروهای آموزشی و نیروهای دولتی و بخواهند که احزاب تنها در خدمت نظام و ابزار تحقق آرمان‌های حاکمیت باشند کنند نتیجه مطلوب نخواهیم گرفت. با حزب واقعی بستر کمک به حاکمیت مطلوب فراهم خواهد شد. ولی با خواهش نمی‌شود. با بیانیه صادر کردن که احزاب قدرتمند ایجاد نمی‌شود. چیزی که تا امروز اتفاق افتاده است، این همه رئیس‌جمهور آمده و رفته و بیانیه صادر کرده‌اند که اقتصاد کشور درست بشود. آیا درست شده؟ این همه آمدند و گفتند فساد را از بین می‌بریم. آیا فساد از بین رفته است؟ تا بستر توسعه فساد در جامعه فراهم است، بستر توسعه بی‌عدالتی هم در جامعه فراهم است. اگر بستر قانونی برای فعالیت احزاب فراهم شود، چهره‌های سیاسی قدرتمندی از دل این احزاب ظهور خواهند کرد. با کمک احزاب و نظارت همگانی از جمله نظارت مطبوعات مستقل، توانمندی‌های کشور در مسیر توسعه پایدار و رشد متوازن به کار گرفته خواهد شد. آن وقت فواید حکومت حزبی مردم‌سالار و پارلمانی چهره می‌نماید.

ضرورت‌های داخلی و بین‌المللی به حاکمیت نقولاند که کشور باید با اراده و عقیده مردم مدیریت شود نه با اراده هدایت‌شده توسط نظارت استصوابی، کار احزاب به سامان نمی‌شود و ما احزاب مستقل از قدرت و حاکمیت که بتوانند تغییر مسیر واقعی در جریان اداره کشور ایجاد کنند، نخواهیم داشت.
تا این بستر فراهم نشود که احزاب قدرت را تغییر دهند و در اختیار بگیرند و تا منشأ قدرت، رأی واقعی مردم نباشد، نمی‌توانیم انتظاری از احزاب نیز داشته باشیم.
پا گرفتن احزاب واقعی و مؤثر امری خواهشی و نمایشی نیست، باید ذات حزب در کشور جاری شود، باید بستر حاکمیت حزبی ایجاد شود تا احزاب امکان رشد داشته باشند. وقتی امکان رشد داشته باشند خودشان تغییرات مؤثر و مطلوب را ایجاد می‌کنند. مثل دانه‌ای که در یک بستر مناسب کاشته می‌شود، خودش زمین را می‌شکافد و سر برمی‌آورد و به بار می‌نشیند. اگر بستر مناسب را تهیه کنند، نهال حزب خودبه‌خود رشد خواهد کرد. بستر مناسب بستر قانونی است؛ یعنی قانون احزاب باید اصلاح شود و مهم‌تر از قانون احزاب نگاه حاکمیت به دولت و قدرت است که آن هم باید اصلاح شود.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۱۵
۶ تیر ۱۴۰۱





رویدادهای ایران



ایران در هفته‌ای که گذشت

تهیه و تنظیم از پیام فیض



آیت‌الله مکارم: داد مردم از گرانی‌ها بلند است

آیت‌الله مکارم شیرازی گفت که حل مشکلات اقتصادی امروز وظیفه هر سه قوه است و انتظار مردم این است که سه قوه با هم در این خصوص همکاری و تلاش کنند. این مرجع تقلید در دیدار سید مسعود میرکاظمی معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان برنامه و بودجه با اشاره به گلایه‌های شدید مردم از گرانی‌ها گفت: امروز داد مردم از گرانی‌ها بلند است و می‌گویند که قیمت‌ها روز به روز افزایش می‌یابد. بر اساس گزارش دفتر آیت‌الله مکارم، وی در ادامه به ضرورت اکتفا و تبیین برای مردم نسبت به گرانی‌های اخیر اشاره کرد و افزود: این گرانی‌های افسارگسیخته با وجود افزایش درآمدهای نفتی دولت به عنوان معیایی برای مردم شده که لازم است دولتمردان جواب قانع‌کننده‌ای برای آن داشته باشند.



رهبر انقلاب: القاء بن بست و اینکه مسئولان، اداره کشور را بلد نیستند، کار بدخواهان ایران است

بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار متصدیان کنگره ملی شهدای عشایر که ۲۲ خرداد ۱۴۰۱ برگزار شده بود، روز ۳۱ خرداد منتشر شد. در بخشی از این صحبت‌های آمده است: رهبر انقلاب، تضعیف ایمان دینی، تضعیف امید و خوش‌بینی به آینده کشور را از جمله مؤلفه‌های جنگ نرم علیه ملت دانستند و خاطر نشان کردند: القاء بی‌آیندگی، بن‌بست و اینکه مسئولان اداره کشور را بلد نیستند از جمله کارهای بدخواهان ایران است و امروز هر کس مردم را از آینده ناامید، یا ایمان‌های مردم را تضعیف، یا مردم را به تلاش‌ها و برنامه‌ریزی‌های مسئولان بی‌اعتقاد یا بدبین کند، چه بداند و چه نداند به سود دشمن کار می‌کند.



رئیس اطلاعات سپاه تغییر کرد

در هفته‌ای که گذشت رئیس سازمان اطلاعات سپاه تغییر کرد. سخنگوی کل سپاه اعلام کرد: با حکم سردار سرلشکر پاسدار حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، سردار سرتیپ پاسدار محمد کاظمی به سمت رئیس سازمان اطلاعات سپاه منصوب شد. حسین طائب رئیس سابق سازمان اطلاعات سپاه نیز با حکم سرلشکر حسین سلامی به سمت "مشاور فرمانده کل سپاه" منصوب گردید. رئیس جدید سازمان اطلاعات سپاه سال‌ها عهده‌دار مسئولیت "ریاست سازمان حفاظت اطلاعات سپاه" بود و تجارب فراوانی در امور حفاظتی، امنیتی و اطلاعاتی دارد.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۱
۶ تیر ۱۴۰۱



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۱

۶ تیر ۱۴۰۱

دیگر کاخ سفید اعلام کرد جو بایدن، رئیس جمهوری آمریکا، به سازمان های دولتی دستور داده تا گزینه های این کشور را برای کمک به آسیب دیدگان زلزله افغانستان ارزیابی کنند. هم زمان ذبیح الله مجاهد، سخنگوی طالبان، در حساب توئیتر خود از دریافت کمک های بشردوستانه کشورهای قطر، پاکستان و ایران خبر داد. پاپ فرانسیس، رهبر کاتولیک های جهان و مقام های شماری از کشورهای و نهادهای بین المللی، همدردی شان را با باز ماندگان زلزله افغانستان ابراز و برای کمک رسانی به آسیب دیدگان اعلام آمادگی کردند. زلزله روز گذشته در افغانستان مرگبارترین زلزله در این کشور در طول ۲۰ سال گذشته بود. پیش تر و در سال ۲۰۱۵، در زلزله ای در شمال شرق افغانستان صدها نفر در این کشور و همچنین در شمال پاکستان کشته شدند.



رکورد شکنی تورم ماهانه

گزارش مرکز آمار ایران از رشد قیمت ها در خرداد ۱۴۰۱ را باید حیرت انگیز و وحشتناک خواند. مسئله تنها شکستن رکورد تورم ماهانه و مخصوصا میزان افزایش قیمت مواد غذایی نسبت به ماه قبل نیست. آنچه همه را شوکه کرده، شدت و بزرگی این رکورد شکنی است. قیمت ها در این یک ماه آن قدر بالا رفته که بازگشت نرخ تورم به زیر ۴۰ درصد تا پایان امسال تقریبا غیر ممکن به نظر می رسد. طبق برآوردهای مرکز آمار، قیمت کالاها و خدمات مصرفی از اردیبهشت تا خرداد به طور متوسط ۱۲.۲ درصد افزایش یافت که بالاترین نرخ تورم ماهانه در ایران از زمانی است که این نرخ در سال ۱۳۸۱ توسط مرکز آمار منتشر شده است. بخش اعظم این تورم ماهانه ناشی از بالا رفتن قیمت مواد غذایی بود که یک ماهه به طور متوسط ۲۵.۹ درصد گران تر شدند. برای درک بزرگی این اعداد، این مسئله را در نظر بگیرید که اگر قیمت ها ماهی ۱.۵ درصد بالا بروند، بعد از یک سال ۲۰ درصد افزایش پیدا کرده اند. رشد ۲.۸ درصدی ماهانه قیمت ها هم پس از یک سال به تورم ۴۰ درصدی منجر می شود. تورم ماهانه کل اقلام مصرفی در خرداد ماه بیش از چهار برابر و برای مواد غذایی بیشتر از ۹ برابر این رقم بود. متوسط تورم ماهانه در ۲۰ سال گذشته ۱.۶ درصد بوده و رکورد قبلی این شاخص ۷.۱ درصد بود که مهرماه ۱۳۹۷ ثبت شد.



قاضی زاده هاشمی: هنوز حجم اختلاس هایی را که در بنیاد شهید اتفاق افتاده، نمی دانیم

امیر حسین قاضی زاده هاشمی رئیس بنیاد شهید گفت: هنوز ما حجم خساراتی را که وارد شده است و اختلاس هایی را که اتفاق افتاده است نمی دانیم. روزهای گذشته مدیر عامل فعلی بانک دی، پیش من بود و گزارش می داد، فقط یکی از شرکت ها حدود ۵ هزار میلیارد تومان اختلاس انجام داده است. وی به تسنیم گفت: این فقط یک نمونه از بانک دی بود، حالا همین مسائل در مجموعه کوثر یا در مجموعه صندوق ذخیره شاهد و جاهای مختلفی که اخبارش هر از چند گاهی به گوش می رسد، هم تا حدی وجود دارد، در حالی که این مجموعه انقلابی، مقدس و وابسته به شهدا، باید پاک ترین و تمیز ترین سازمان باشد.

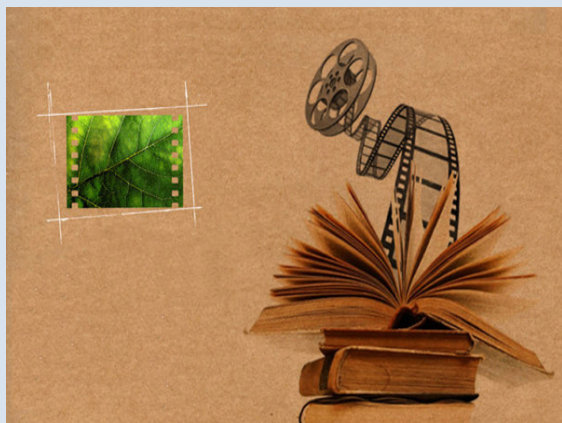


زلزله در افغانستان با ۲۵۰۰ کشته و زخمی

روز چهارشنبه در جنوب افغانستان زلزله ای به بزرگی ۶.۱ دهم ریشتر رخ داد. حمید حسن، یک مقام وزارت کشور افغانستان، اعلام کرد تعداد قربانیان زلزله اخیر در این کشور به هزار و ۵۰۰ تن رسیده و تعداد مصدومان بیش از دو هزار نفر است. هم زمان سخنگوی دولت طالبان از دریافت کمک های بشردوستانه از برخی کشورها از جمله ایران خبر داد. حمید حسن گفت وزارتخانه های مختلف دولت طالبان عملیات مشترکی را برای کمک به زخمی شدگان انجام داده اند و گروه های تخصصی را برای ارائه کمک های پزشکی، بالگرد به محل اعزام کردند. زلزله ای به بزرگی ۱/۶، صبح روز چهارشنبه اول تیر مناطقی در حدود ۱۶۰ کیلومتری جنوب شرقی کابل، در ولایت های پکتیکا و خوست را لرزاند و صدها خانه از جمله ۶۰۰ خانه را در خوست ویران کرد. رسانه های افغانستان گزارش دادند زلزله اخیر بیشترین خسارت های جانی و مالی را در ولسوالی (استان) های نکه، گیان، برمل و زیروک پکتیکا و ولسوالی سپیری خوست بر جای گذاشته است. این در حالی است که هماهنگ کننده کمک های بشردوستانه سازمان ملل در افغانستان اعلام کرد این سازمان تجهیزات مورد نیاز را برای انجام عملیات امداد و نجات در اختیار ندارد. از سوی



معرفی و پیشنهاد



وحشی (The wild)

سفری کند، طاقت فرسا و البته خام



فیلم وحشی داستان یک پیاده روی طولانی را روایت می کند. سفری بیش از هزار مایل از کویر کالیفرنیا جنوبی تا جنگل های انبوه اوریگان. داستان این فیلم بر اساس کتاب معروف شرل استراید با همین عنوان است و در واقع بخشی از زندگی نامه خود استراید می باشد. فیلم در مورد سفری تنها در طبیعت است، آنچه مطمئناً انسان های زیادی در زندگی امروز به آن می اندیشند و آرزوی آن را دارند، اما موانع مختلفی در سر راهشان وجود دارد. پس مخاطب می تواند به تماشای این فیلم نشست و اجازه دهد فرد دیگری به جای او این کار را انجام دهد.

پس از سفری کند، طاقت فرسا و البته خام شرل تبدیل به شخصیت اصلی مامی شود و خواسته یا ناخواسته در جایگاه قهرمان فیلم قرار می گیرد و سفرش را از صحرا و در گرمایی تجربه می کند که ما هم طمع آن را از پشت قاب تصویر می چشیم.

این فیلم در زیر متن خود دارای رگه های از طبیعت گرایی است که تا حدی تحت تأثیر نگاه استراید و تا حدی تحت تأثیر نگاه ژان مارک ولی (کارگردان فیلم) است و در فیلم هیچ گونه آزاری به طبیعت مشاهده نمی شود. بلکه نشان می دهد چگونه عناصر طبیعت به او جذب می شود.

در نمای از فیلم، شرل استراید در کنار یک هم سفر در یک لوکیشن چشم نواز و در حال تماشای یک منظره زیبای گوید: کسی نیست که منتظر آمدن من باشد! به عبارتی شخصیت اصلی ما چیزی برای از دست دادن ندارد و معتقد است:

اگر جرئت نامیدت کرد از جرئت هم فراتر برو!

در واقع این فیلم نوعی خودشناسی روانکاوانه است که در دل طبیعت رخ می دهد



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۱

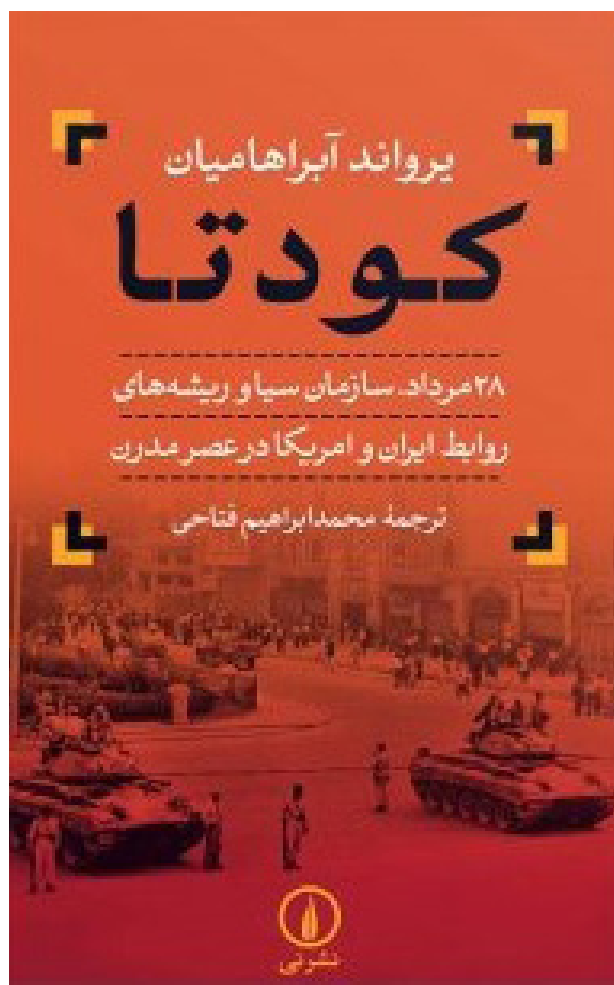
۶ تیر ۱۴۰۱

دیدن این فیلم هم برای دغدغه مندان طبیعت و هم برای آرمان گرایان سیاسی می تواند پیام هایی داشته باشد تا شاید با تجربه زیسته دیگری، اندکی بر تجربه ما افزون گردد.

واما؛

بسیار سفر باید تا پخته شود خامی

معرفی کتاب کودتا اثر پرواند آبراهامیان رازهای سر به مهر کودتای ۲۸ مرداد



کتاب "کودتا" نوشته نویسنده سرشناس تاریخ معاصر ایران، پرواند آبراهامیان می‌باشد. این کتاب در مورد کودتایی صحبت می‌کند که همه ما اسم آن را حداقل یکبار شنیده‌ایم. کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ که طی آن دولت دکتر مصدق سرنگون شد و محمدرضا شاه پهلوی به شکلی استبدادی حکومت را بر دست گرفت. کتاب "کودتا" با محوریت موضوع نفت و ملی شدن این صنعت، به عوامل این کودتا و نقش کشورهای اروپایی و مخصوصاً آمریکا و تأثیر روابط ایران و آمریکا می‌پردازد.

در این کتاب، "پرواند آبراهامیان" در چهار فصل زیر صحبت می‌کند:

۱. ملی شدن صنعت نفت

۲. مذاکرات انگلیس و آمریکا

۳. کودتا

۴. میراث

کتاب "کودتا" رازهای زیادی را راجع به کودتای ۲۸ مرداد بر ملا می‌کند. تأثیرات قدرت‌های بیگانه در آن دوران و نقش تبلیغات راهم به خوبی تفسیر می‌کند که می‌تواند کتاب بسیار جذابی برای کسانی باشد که می‌خواهند راجع به تاریخ کشورشان اطلاعات دقیق و کارشناسانه‌ای داشته باشند.

قسمتی از کتاب کودتا (لذت متن)

ملی شدن زمینه‌ساز آغاز مبارزه‌ای با ماهیت بردو باخت شد. از دیدگاه مصدق و ایران، ملی شدن به معنای حاکمیت ملی و حاکمیت ملی نیز به معنای کنترل و نظارت بر اکتشاف استخراج و بهره‌برداری از نفت بود؛ اما از نظر بریتانیا و شرکت نفت انگلیس و ایران، معنای ملی شدن دقیقاً برعکس بود. این اقدام از دیدگاه آنان به مفهوم از دست دادن نظارت بر اکتشاف استخراج و بهره‌برداری از همان نفت بود. ستیزهای سیاسی معمولاً جایی برای مصالحه هم باقی می‌گذارند؛ اما این مناقشه فضای بسیار اندکی را باقی گذاشته بود. کنترل و نظارت یا باید - آن گونه که مصدق پافشاری می‌کرد - در اختیار ایران قرار می‌گرفت و یا - همان طور که بریتانیا نیز سرسختانه تأکید می‌ورزید - باید تحت کنترل بریتانیا و یا حداقل خارج از کنترل ایران قرار می‌گرفت.

واما؛

بعد از ناکامی جنبش مشروطه، دومین خیزش مردم ایران در راستای رسیدن به حکومتی دموکراتیک و مستقل با کودتای ۲۸ مرداد متوقف شد. مجموعه‌ای از اشتباهات، کم‌تجربگی‌ها

و بدشانسی‌ها منجر به موفقیت این کودتا گردید گرچه باید اذعان کرد حتی اگر در آن زمان هم کودتا به ثمر نمی‌رسید شرایط به گونه نبود که جنبش مردمی بتواند به راحتی از این پیچ تاریخی عبور کند. خواندن این کتاب را به تمام کنشگران سیاسی و اجتماعی ایران توصیه می‌نماییم.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۱۵
۶ تیر ۱۴۰۱

احمد مهدوی دامغانی در گذشت

در گذشتی فروتنانه

۲۷ خردادماه استاد احمد مهدوی دامغانی نویسنده و پژوهشگر ایرانی، متخصص در ادبیات عرب، استاد پیشین دانشگاه تهران و دانشگاه هاروارد در گذشت. وی در سال ۱۳۰۵ در مشهد به دنیا آمده بود و بعد از تحصیلات حوزوی و آکادمیک در سال ۱۳۴۲ از دانشگاه تهران درجه دکتری در زبان و ادبیات فارسی گرفت. سپس به عنوان استاد دانشگاه تهران به تدریس در دانشکده های ادبیات و الهیات دانشگاه تهران پرداخت. از سال ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۴ در دانشگاه مادرید به تدریس ادبیات عرب و فارسی و فقه اسلامی اشتغال داشت. مهدوی دامغانی چندین سال سردفتر اسناد رسمی در تهران و از سال ۱۳۵۴ رئیس کانون سردفتران اسناد رسمی بود. احمد مهدوی دامغانی از سال ۱۳۶۶ مقیم آمریکا و در دانشگاه هاروارد و دانشگاه پنسیلوانیا مشغول به تدریس در مقطع دکترا و پست دکترا بوده است. از مشهورترین مقاله های او مآخذ ابیات عربی کلیلهدومنه و مآخذ ابیات عربی مرزبان نامه است. از کتاب های چاپ شده مهدوی دامغانی، علاوه بر «کشف الحقایق» نسفی، تصحیح «نسمه السحر به ذکر من تشیع و شعر» و تألیف «شاهدخت والاتباء شهربانو والده معظمه حضرت امام علی بن الحسین السجاد علیهما السلام» است. وی در مصاحبه ای که چندی پیش با ایشان انجام شد در پاسخ به دلیل

رفتارش از ایران گفت: راستش را بخواهید چنین مقدر شد که رفتاری با من بشود که دلم را شکست ولی از کسی هیچ گلایه ای ندارم. درحالی که «می روم وز سر حسرت به قفا می نگریم» وصف الحال من بنده بود به حکم «و ارض الله واسعه» در سال ۱۳۶۴، وطن را ترک گفتم و به امریکا آمدم. وی در سال های جوانی مدت کوتاهی به فعالیت سیاسی در قالب حزب وحدت ایران اشتغال داشته است. حزب وحدت ایران در سال ۱۳۲۵ به دنبال انشعاب گروهی از اعضای حزب ایران تشکیل شد. در تیرماه ۱۳۲۵ پس از ائتلاف حزب ایران با حزب توده (موسوم به جبهه مؤتلفه احزاب آزادی خواه) دکتر شمس الدین جزایری و تنی چند از دیگر مخالفان ائتلاف از آن حزب جدا شده و حزب وحدت ایران را تأسیس کردند. پس از تشکیل حزب وحدت ایران شخصیت های سیاسی همچون سید حسن زعیم، ذکاءالدوله غفاری، احمد متین دفتری، حسن نزیه، هادی اشتیری، محمدمامین ریاحی، محمدحسین میمندی نژاد، محمد نخشب و رحیم صفاری به آن پیوستند. ارگان حزب روزنامه شفق بود. حزب وحدت ایران پس از آنکه در انتخابات دوره پانزدهم مجلس شورای ملی از دکتر محمد مصدق حمایت کرد، در شهریور ۱۳۲۶ منحل شد. خاطرات ایشان از این فعالیت حزبی در مجله بخارا منتشر شده است که در شماره های بعدی نشریه تقدیم شما عزیزان می گردد.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۱

۶ تیر ۱۴۰۱



تور دو فرانس آرزوی دستیافتنی

حضور یابد. حدود یک دهه قبل با به عضویت درآمدن امیر زرگری در یک گروه حرفه ای فرانسوی این امید زنده شد که شاید ما نیز شرکت کننده ای در این مسابقات داشته باشیم که متأسفانه مقدور نشد. در ایران نیز ما یک تور دوچرخه سواری بین المللی داریم به نام تور ایران (آذربایجان). این تور معتبرترین تور دوچرخه سواری ایران و قدیمی ترین تور دوچرخه سواری در قاره آسیا بشمار می آید که همه ساله در اواخر بهار در منطقه آذربایجان ایران در استان های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی و اردبیل زیر نظارت فدراسیون بین المللی دوچرخه سواری (UCI) برگزار می شود. نخستین دوره این رقابت ها در سال ۱۳۶۵ برگزار شد. سی و چهارمین دوره این تور در سال ۱۳۹۸ برگزار شده است و امید می رود در سال جاری (مهرماه) ۱۳۵مین دوره آن برگزار شود.

تور دو فرانس یا تور فرانسه معتبرترین مسابقه دوچرخه سواری جاده دنیاست که در سال ۱۹۰۳ تأسیس شده است و اکنون هر ساله به مدت سه هفته در جاده های فرانسه و کشورهای پیرامون آن، در فصل تابستان برگزار می گردد. این مسابقه معمولاً از مرکز شهر پاریس شروع شده و در همان جا به پایان می رسد. امسال این مسابقات از ۱۰ تیرماه و از شهر کپنهاگ دانمارک آغاز می شود. این تور شامل ۲۱ روز مسابقه ای و ۲ روز استراحت است که مسافت ۳۵۰۰ کیلومتر را پوشش می دهد. در این مسابقه علاوه بر جایزه اصلی پیراهن زرد یا پیراهن طلایی چند جایزه دیگر نظیر جایزه امتیازی: پیراهن سبز، جایزه کوهستان، جایزه تیمی، جایزه رکاب زنان جوان و جایزه جنگندگی نیز وجود دارد. تعداد شرکت کنندگان در این مسابقات متفاوت بوده و معمولاً ۲۰ تا ۲۲ گروه با ۹ دوچرخه سوار در این مسابقات شرکت می کنند که هر گروه تدارکات و پشتیبان و تعمیرکار و مدیر خاص خود را دارد. تاکنون هیچ ورزشکاری از ایران نتوانسته است در این مسابقات



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۱۵

۶ تیر ۱۴۰۱



زندانبانان نیز در بندند

در این شماره ما به مسائل و مشکلات شغلی زندانبانان نگاهی می‌اندازیم. شغلی که در پس حصارهای بلند زندان از دیده‌ها پنهان است و کمتر کسی پای صحبت‌های ایشان می‌نشیند. ایشان نیز مشابه بسیاری از شغل‌های پنهان دیگر با مشکلاتی روبرو هستند که در زیر شمه‌ای از آن‌ها می‌آید:

- عدم تمایل به معرفی شغل خود در محافل عمومی.
- ارتباط با افرادی که تجربه شکست‌ها و فرودهای فراوان در زندگی داشته‌اند و این سوابق بر روان و رفتار آن‌ها تأثیرات منفی عمیقی گذاشته است.
- تجربه عجز مکرر در مقابل احساس غمخواری و کمک به زندانی‌های متعدد و متکثر.
- فضای کاری بسته، نازیبا، ناشاد و بسیار اندوه‌بار.
- تأثیرات منفی ناشی از مشاهده مکرر و دائمی چهره ناخوشایند زندگی روی هستی‌شناسی و نگاه به زندگی.
- دشواری مدیریت ارتباط فرد با اعضای خانواده و نزدیکان.
- سازگاری با احساس منفی و نه‌چندان تأییدکننده جامعه به این شغل.
- در معرض تهدیدات جسمی ناشی از سوی رفتار یا خشونت در محیط.
- دشواری‌های شغل شیفت در گردش.
- دامنه اختیارات بسیار اندک برای تغییر و بهبود در مناسبات و روابط کاری.
- تأثیرات منفی و درازمدت روانی بر فرد.
- مدیریت چالش‌هایی چون نوع مواجهه با درخواست‌های غیرقانونی و غیراخلاقی در محیط کار.
- داوری شدن زندانبان به عنوان مهره‌ای در نظام قهری زندان در عین حال، فقدان اختیار برای هرگونه تنظیم یا تغییر شرایط.

مشاغل دور از نظر

تهیه شده توسط کمیته آموزش و توانمندسازی حزب اراده ملت ایران



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۱

۶ تیر ۱۴۰۱



اخبار حزبی





هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۱

۶ تیر ۱۴۰۱

رسانه‌های حزب اراده ملت ایران (حاما) صاحب دفتر شدند.



از ابتدای تیرماه دفتر رسانه‌ای حزب باهدف پوشش دادن و تسهیل فعالیت‌های مجموعه رسانه‌های حزب در تهران افتتاح شد. باتوجه به پایان یافتن پاندمی کووید ۱۹ و طبیعی شدن فعالیت‌های فیزیکی، مجموعه مدیریتی حزب این فضا را برای فعالیت‌های رسانه‌ای مهیا کرده است تا اعضا و علاقه‌مندان بتوانند در آن به فعالیت بپردازند. مجموعه‌های رسانه‌ای حزب شامل انتشارات، هفته‌نامه و وبسایت حزب می‌باشد. انتشارات حزب تاکنون ۱۴ عنوان کتاب منتشر کرده است و سه کتاب دیگر نیز در دست چاپ دارد. نشریه اراده ملت نیز به‌طور منظم و به‌صورت دوهفتگی چاپ می‌شود که تاکنون بیش از ۴۰ شماره از آن منتشر شده است. وبسایت حزب نیز یکی از وبسایت‌های حزبی فعال ایران است که با بخش‌های متنوع اطلاعات و اخبار مرتبط با حزب اراده ملت ایران را در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌دهد.

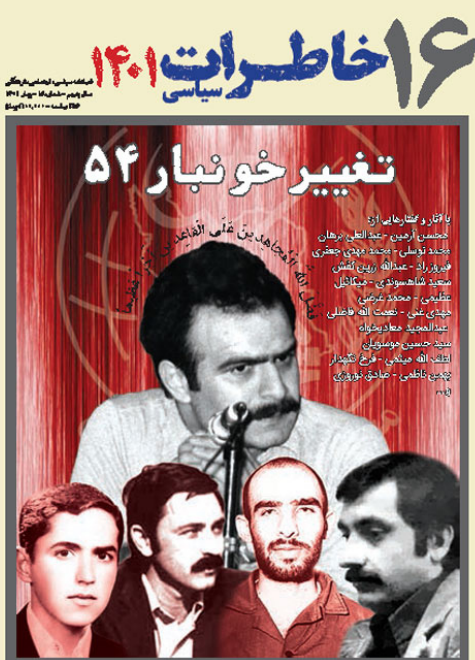
جایگاه و چشم‌انداز اصلاح‌طلبان در ایران امروز به بحث گذاشته شد.



آخرین جلسه دفتر سیاسی حزب با مدیریت شمس افزازی زاده روز یکشنبه ۲۹ خرداد برگزار شد. در این جلسه بعد از تبادل آخرین اخبار ایران و جهان اعضا به بحث در مورد جایگاه و نقش اصلاح‌طلبان در دو دهه اخیر تاریخ ایران پرداختند. سخنران اصلی این جلسه دفتر سیاسی علی صابری عضو شورای مرکزی حزب بود.

تغییر خونبار سال ۱۳۵۴ سازمان مجاهدین در نشریه خاطرات سیاسی باز خوانی شد.

فصلنامه خاطرات سیاسی شماره ۱۶ (بهار ۱۴۰۱) منتشر شد
پرونده اصلی شماره بهار ۱۴۰۱ این نشریه با عنوان (تغییر خونبار ۵۴) به ماجرای جنجالی تغییر ایدئولوژی سازمان مجاهدین خلق از اسلام به مارکسیسم اختصاص یافته در این مورد با چهره های شاخص مبارز در قبل از انقلاب ۵۷ مصاحبه شده است.
همچنین این شماره حاوی مطالبی درباره مرحومان ری شهری، براهنی، رضا قلی و دعایی می باشد.



پنجمین کتاب از مجموعه "گامی با نهادهای مدنی" روانه ارشاد شد.

در دیباچه این کتاب می خوانیم:

امروزه با غلبه رویکردهای مشارکتی بر نظام مدیریت و برنامه ریزی شهری، شوراها به یکی از مهم ترین ارکان این نظام تبدیل شده اند. شوراها به مفهوم امروزی خود در پی رویکرد تمرکززدایی و جلب مشارکت شهروندان شکل گرفتند. یکی از مسائل شهری در جامعه ایران را می توان عدم مشارکت مردم در فرایند برنامه ریزی و مدیریت شهری دانست، به طوری که اثر تصمیم گیری های شهری بدون دخالت شهروندان صورت می گیرد و آن ها در تصمیم گیری های کلان شهری نقش قابل ملاحظه ای ندارند. از همین رو بحث مشارکت مردمی به صورت گسترده در سطح جامعه و محافل آکادمیک و اداری مطرح شده و کاربرد آن در عرصه های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و از جمله در فرایند برنامه ریزی و مدیریت شهری در ایران طی دهه ۷۰ مطرح شده و از سوی مسئولان اجرایی و سیاسی کشور مورد تأکید قرار گرفته است. به منظور ارتقای نقش نهاد شورای شهر به مثابه قوی ترین نهاد مردمی در نظام مدیریت توسعه شهری، ارزیابی عملکرد این نهاد و شناسایی آسیب ها، چالش ها و تنگناهای آن ضروری است. براین اساس در کتاب حاضر به بررسی و شناسایی آسیب ها، چالش ها و تنگناهای شورای شهر تهران پرداخته شد.

از همان تأسیس انتشارات حزب با توجه به اهمیت نهادهای جامعه مدنی در ساختار سیاسی اجتماعی مدیران انتشارات بر آن شدند تا کتاب هایی را تحت عنوان "گامی با نهادهای مدنی" منتشر کنند. خوشبختانه این رؤیا محقق گردید و تاکنون چهار عنوان کتاب تحت این فروست یاسری منتشر شد.
اینک پنجمین کتاب این فروست یاسری آماده شده است و برای کسب مجوزهای لازم به وزارت ارشاد ارسال گردیده است.
کتاب پنجم این مجموعه با عنوان "نقش شورا در توسعه سیاسی (با نگاهی به شورای شهر تهران)" توسط بهرام سرمست، داریوش قنبری و شهرام آقاییاری تألیف شده است.





هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۱

۶ تیر ۱۴۰۱

سیاست به زبان خودمانی

(چه می خواهیم و چه نمی خواهیم؟)

در دنیای سیاست و هرآنچه به اسم دنیای سیاست می شناسم:

من چه می خواهم؟

و چرا آن را می خواهم؟

من چه نمی خواهم و چرا نمی خواهم؟

برای به دست آوردن آنچه می خواهم چه می کنم؟

در مواجهه با آنچه نمی خواهم چه می کنم؟

میان این همه خواستن و نخواستن، کدام ها مهم ترند؟

و برای پرداختن به آن ها از کجا آغاز کنم؟

بین این همه نیاز و دغدغه، خواستن و نخواستن تفاوت بسیار است. بعضی در دایره هستی است. بعضی در گستره موجودات زنده. بعضی پیرامون مسئله بشر. بعضی مرتبط با ایران. برخی محدود به تاریخ معاصرمان. برخی هم پدیده هایی در دوره های سنین آگاهی خودم. در کدام محور و بر کدام مسائل و از کدام نقطه آغاز کنم؟

آیا دانش، مهارت و تجارب خودم برای این آغازیدن کافی است؟

بنویسم؟ بگویم؟ بیاموزم؟ بیاموزانم؟ مبارزه کنم؟ مطالبه کنم؟ بسازم یا فرو گریزانم؟

و آیا می دانم که تمام اینها در عمر کوتاه و محدود من، همه باهم ممکن نیست؟!



سازمان آگهی

تبلیغات برای شما رایگان است

برای درج تبلیغات خویش، پوستر طراحی شده را
به آدرس Hgolami1367@gmail.com ایمیل

و یا

به شماره ۰۹۳۰۵۴۲۹۵۱۵ واتساپ نمائید.



بازرگانی مددی



پخش پروفیل و یراق آلات

ملزومات شیشه دو جداره

چسب و گالوانیزه

ملزومات توری

انواع دکوراتیو

تلفن : ۰۹۱۲۰۴۴۶۱۸۲ اینتلکو

آدرس : قزوین مجتمع تجاری نیایش رو به روی بیمارستان پاستور



نرم افزار های جامع و یکپارچه اداری - مالی



تعداد کاربر نامحدود

بدون محدودیت در تعداد کاربر عدم افت سرعت در استفاده همزمان کاربران



کاملا تحت وب

سازگار با تمامی سیستم عامل ها و مرورگر ها بدون محدودیت دسترسی مکانی قابلیت استفاده در تلفن همراه و تبلت



امنیت فوق العاده

برنامه نویسی شده توسط زبان جاوا تعیین دسترسی برای تمامی کاربران



پایه سازی بر اساس نیاز کاربران

ایجاد گردش کارهای مرتبط با هر سازمان امکان گزارش گیری مرتبط با هر قسمت سازمان بومی سازی تمامی قسمت ها بر اساس سازمان



zoubin.ir

info@zoubin.ir

تلفکس: ۸۸۳۱۰۵۶۹، ۴-۸۸۳۱۰۳۴۳

دفتر مرکزی، تهران، کریمخان، خیابان خرمند جنوبی، پلاک ۳۵، طبقه ۴، واحد ۱۲

چتر دانش و کالت ۱۴۰۱



سید محمد موسوی رنده ۲ کالون لرستان / محمد باری رنده ۳ کالون لرستان / آستین و جیب پور رنده ۳ کالون لرستان / منظر جعفریان رنده ۳ کالون لرستان / حسین نوین رنده ۳ کالون لرستان / محمد شکری رنده ۳ کالون لرستان / رحمان جوانمرد رنده ۳ کالون لرستان / زهره ابراهیم رنده ۳ کالون لرستان / مهدی طاهری رنده ۳ کالون لرستان / علی گوهری رنده ۳ کالون لرستان / فاطمه یوسلی رنده ۳ کالون لرستان

با کوله باری از تجربه



عبداله و طالب زاده رنده ۳ کالون لرستان / عبدالکلام جیبی رنده ۳ کالون لرستان / زهرا ناوودی رنده ۳ کالون لرستان / مریم گوهری رنده ۳ کالون لرستان / رضا جوانمرد رنده ۳ کالون لرستان / علیرضا صابری رنده ۳ کالون لرستان / آناهید حبیبی رنده ۳ کالون لرستان



هادی پور جندی رنده ۳ کالون لرستان / محمد پور هادی رنده ۳ کالون لرستان / امین قاسمی رنده ۳ کالون لرستان / امیر محمد گوتی رنده ۳ کالون لرستان / اسلندار کریم پور رنده ۳ کالون لرستان / مهدی کریمیان رنده ۳ کالون لرستان / محمد موسوی رنده ۳ کالون لرستان / ساره روضی رنده ۳ کالون لرستان / علیرضا حسینی رنده ۳ کالون لرستان / زهرا پورام آبادی رنده ۳ کالون لرستان / علی پورزاد رنده ۳ کالون لرستان / سید پور جانی رنده ۳ کالون لرستان



رضا حبیبی رنده ۳ کالون لرستان / پریا گوهری رنده ۳ کالون لرستان / مریم کریم پور رنده ۳ کالون لرستان / سارا الوهید رنده ۳ کالون لرستان / فاطمه جعفری رنده ۳ کالون لرستان / فاطمه میرحاجی رنده ۳ کالون لرستان / مریم موسوی رنده ۳ کالون لرستان / سارا روضی رنده ۳ کالون لرستان / علیرضا حسینی رنده ۳ کالون لرستان / زهرا پورام آبادی رنده ۳ کالون لرستان / علی پورزاد رنده ۳ کالون لرستان / سید پور جانی رنده ۳ کالون لرستان



علی عادلانی رنده ۳ کالون لرستان / سید کامران رنده ۳ کالون لرستان / سارا کامران رنده ۳ کالون لرستان / محمد سوزناری رنده ۳ کالون لرستان / آریان فخری رنده ۳ کالون لرستان / نگار بیاضی رنده ۳ کالون لرستان / منصور شهبازی رنده ۳ کالون لرستان / الهه مرادی رنده ۳ کالون لرستان / علی آبادی رنده ۳ کالون لرستان / ندا مرادی رنده ۳ کالون لرستان / داود شکری رنده ۳ کالون لرستان



ساره شایخ زاده رنده ۳ کالون لرستان / هادی زینتی رنده ۳ کالون لرستان / مریم شایخ زاده رنده ۳ کالون لرستان / احسان ولی پوری رنده ۳ کالون لرستان / احسان ولی پوری رنده ۳ کالون لرستان / احسان ولی پوری رنده ۳ کالون لرستان / احسان ولی پوری رنده ۳ کالون لرستان / احسان ولی پوری رنده ۳ کالون لرستان / احسان ولی پوری رنده ۳ کالون لرستان / احسان ولی پوری رنده ۳ کالون لرستان / احسان ولی پوری رنده ۳ کالون لرستان

آدرس: بروجرد، خیابان مدرس، روبروی آموزش و پرورش

تلفن: ۰۶۶-۴۲۵۰۲۹۶۱

@ chatre _ borojerd

همراه: ۰۹۱۶۸۴۶۵۴۷۹

آدرس: خرم آباد، خیابان انقلاب، سه راه مطهری، کوچه صاحب الزمان
آموزشگاه شکوه - دفتر چتر دانش

همراه: ۰۹۱۶۸۴۶۵۴۷۹

@ chatre _ Lorestan

آزمون آزمایشی
بسته آموزشی
کلاس های حضوری
مشاوره تخصصی

بصورت نقد و اقساط
با تخفیف های ویژه

فروشگاه و نمایشگاه نوین چوب

معصومی



بخش **MDF, AGT** های گلاس، پلی گلاس، کینگ گلاس، نتویان، صفحه و سه میل ...

طراحی و ساخت انواع کابینت و پارتیشن و ...

۰۸۱۳۳۲۶۷۷۰۰۶



۰۹۱۸۱۱۰۰۰۱۲، ۰۹۳۹۶۳۹۸۶۸۰



همدان: میدان امام حسین، بلوار الغدیر، بعد از کوچه خیر خواه



فرش پرند



به زودی آموزش مجازی

آموزش بافت فرش و تابلو فرش

انجام کلیه خدمات :

نخ و نقشه

چله کشی

پرداخت

دار

و...



۰۹۱۸۳۱۴۹۵۳۲

۰۹۳۹۳۹۷۷۲۸۰



@FARSH.PARAND.1400



اُپال
سان

بورس فروش ، طراحی و ساخت انواع طلا و جواهر

OPAL

Sun Opal Jewelry

📍 همدان، مظفریه، گالری طلا، طبقه همکف، واحد ۲۹

☎ تلفن: ۳۲۵۳۰۸۲۷

☎ امانی ۰۹۱۸۸۱۹۹۹۱۸

☎ نمگیری ۰۹۱۳۲۷۹۳۷۹۸

📷 opal_gold_hmd



تهیه بلیط هواپیما

(داخلی و خارجی

و چارتر و لیست

انتظار)

۰۹۳۳۷۹۲۹۱۹۳ آگهی



عمارت سنتی ویتراي

02433363858

ساعاتی خوش در کافي شاپ عمارت سنتی ویتراي

زنجان، سبزه میدان، کوچه سيد فتح اله پلاک ۸



گروه بازرگانی ایرانیان



@hamedanyadaktrust



09182111962

09182111963

کاظم پور

فروشگاه ایرانیان مجری طرح بزرگ ایران ۱۸ باهدف حذف واسطه در زمینه
عرضه قطعات خودرو در خدمت شما عزیزان میباشد

سپر بلای زندگی شما
برای همه مردم ایران



نماینده بام زر

کد: ۳۲۷۵



♦ بیمه اتومبیل (ثالث و بدنه) ♦ بیمه عمر و سرمایه گذاری

♦ بیمه آتش سوزی و حوادث ♦ بیمه مسئولیت و کارفرما

مشاوره 24 ساعته رایگان

۰۹۱۸۸۵۰۶۳۰۰

۳۳۲۴۲۶۲۴

نقد و اقساط

استان ممدان، نهارند، خیابان آزادگان، روبرو روی گوجه دکتر صالح

انتشارات خزه ارائه میکند



تهران، خیابان ولیعصر، انتهای پارک ساعی، کوچه شهید امینی، پلاک ۲، واحد ۷

تلفن: ۰۲۱۸۸۶۵۱۲۱۹۰

همراه: ۰۹۱۹۹۰۷۰۳۳۷

طراحی تبلیغات

صفر تا صد تبلیغات خود را به ما بسپارید

مشاوره ایده پردازی طراحی اجرا

- طراحی لوگو و ارم
- کارت ویزیت
- طراحی جلد
- تراکت

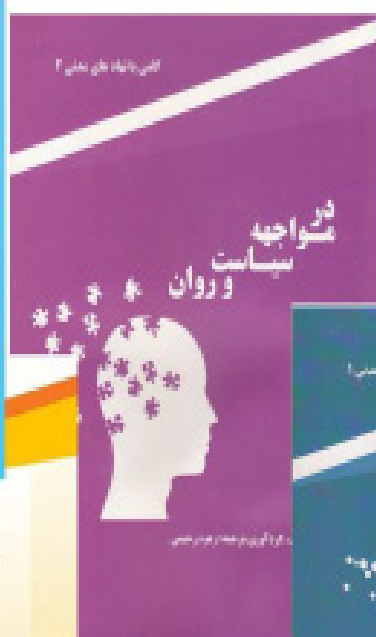
☎ ۰۹۰۲۶۳۸۹۹۹۴

انتشارات حزب اراده ملت ایران منتشر کرده است

مجموعه‌ی گامی با نهادهای مدنی

برای خرید نسخه کاغذی کتاب می‌توانید با شماره تلفن
۰۹۳۰۵۴۲۹۵۱۵ تماس گرفته و آدرس مورد نظر را اعلام
فرمایید.

برای خرید نسخه الکترونیکی کتاب می‌توانید به اپلیکیشن یا
سایت طاقچه مراجعه نمایید.



انتشارات حزب اراده ملت ایران منتشر کرده است مجموعه‌ی حاما چه میگوید؟



برای خرید نسخه کاغذی کتاب می‌توانید با شماره تلفن

۰۹۳۰۵۴۲۹۵۱۵ تماس گرفته

برای خرید نسخه الکترونیکی کتاب می‌توانید به

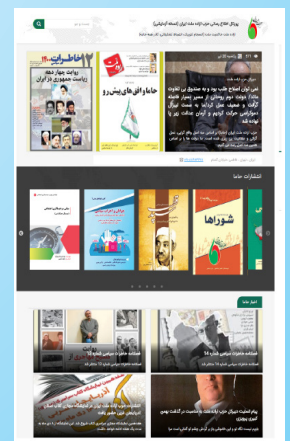
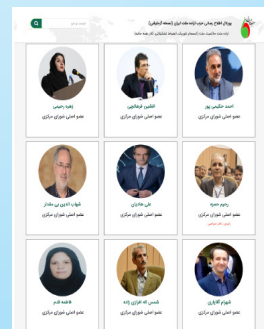
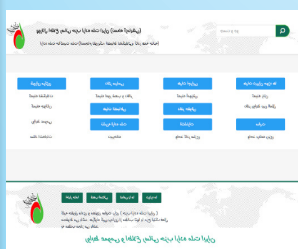
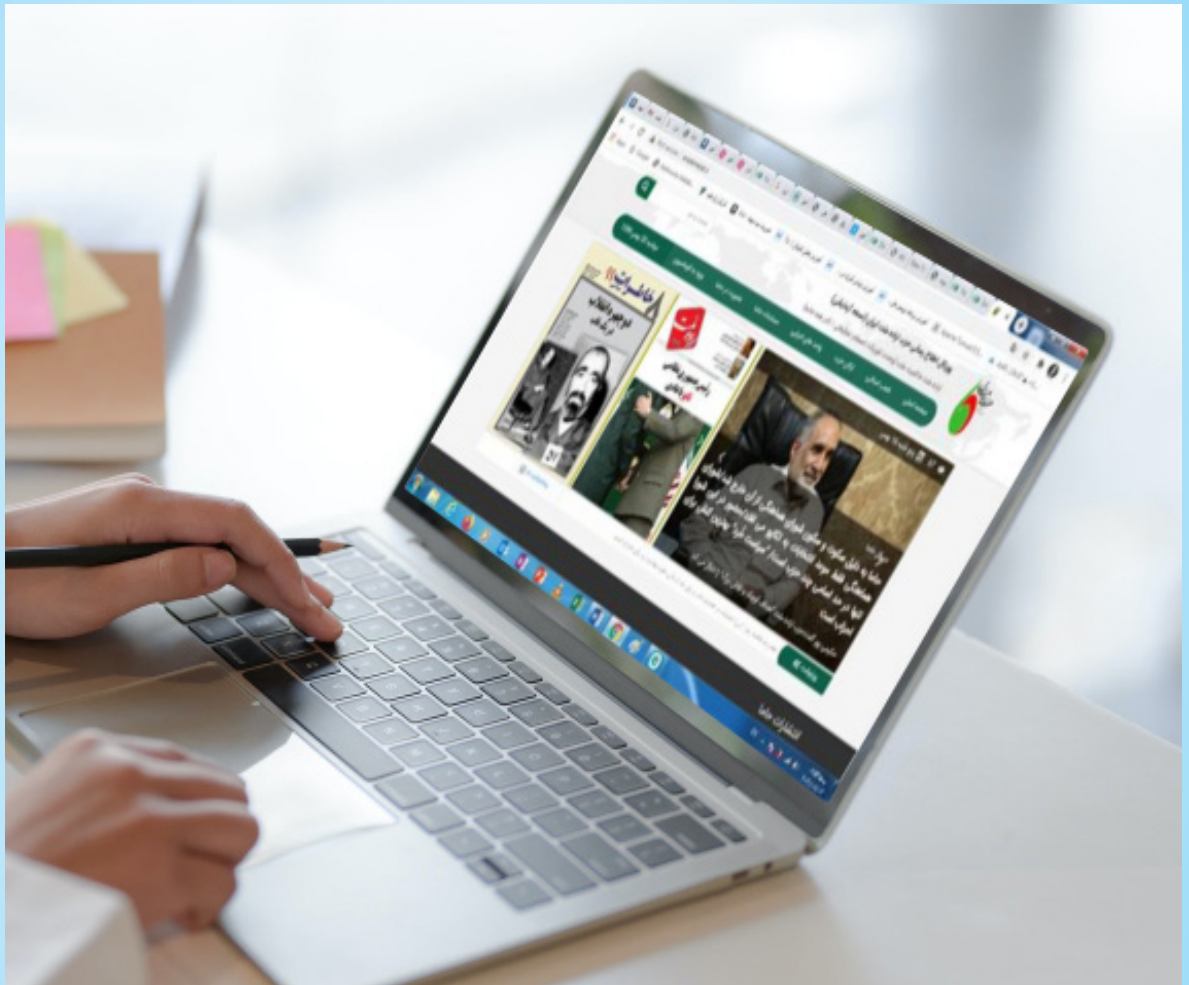
اپلیکشن یا سایت طاقچه مراجعه نمایید.



پرتال اطلاع رسانی حزب اراده ملت ایران

مرجع رسمی اطلاع رسانی حزب اراده ملت ایران

<http://erademelat.ir>



پرتال اطلاع رسانی هفته نامه اراده ملت

www.eradehmellat.ir



درباره ما

رسانه‌ها فعالیت خود را آغاز نمود. هفته‌نامه اراده ملت به عنوان یک رسانه حاصل تلاش گروهی اعضای حزب اراده ملت ایران بود.

در روزهای نخستین و در آغاز راه، بحث بر سر انتشار یا عدم انتشار یک نشریه مکتوب بود ولی امروز هفته‌نامه اراده ملت با نمایه‌سازی در کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران جزئی از تاریخ شد. گزافه نیست اگر هفته‌نامه اراده ملت را بخشی از تاریخ بدانیم زیرا اکنون ما در حال نوشتن تاریخ هستیم و آیندگان از روی آنچه برای آنان به میراث می‌گذاریم ما را قضاوت خواهند کرد.

در دنیای جدید رسانه‌ها به عنوان پدیده‌ای تأثیرگذار، واقعیت‌ها را به منصفه ظهور می‌رسانند، از این رو به عنوان ابزاری کارآمد نقش و جایگاه تعیین‌کننده‌ای در عرصه‌های عمومی به ویژه سیاست احراز می‌کند. با این تفتن و التفات هستی شناختی به مقوله رسانه، با پرهیز از هرگونه نگاه ایدئولوژیک باهدف انعکاس صدای مردم و به منظور تحقق اراده ملت در عرصه نظارت و شفافیت و در چارچوب آرمانه‌ای حامی، در پی اخذ مجوز نشریه ارگان حزب، کارگروه رسانه حزب متشکل از اصحاب رسانه عضو حامی با رویکرد بحث و تبادل نظر در مورد مسائل مرتبط با